

IDW
25
YEARS

۷۵
کاور B



سونیک

جوچہ تیغی

11 JUL
2024 | MAURO
13 JUN | FONSECA

استنلی . کیم . فریس . گراہام . فوردرین
م.قلی زاده . فخاریان

SEGA®



سونیک

جوجه تیغی

طراحی
مین هو کیم
جوهرزنی
مت فریس
حروفنگاری
اد دوکشایر

ویراستار
تیا چوک

داستان
اوان استنلی
مدادکشی
اوان استنلی
رنگ آمیزی
رجی گراهام و
ناتالی فوردین

دستیار ویراستار
بیکسی متیو

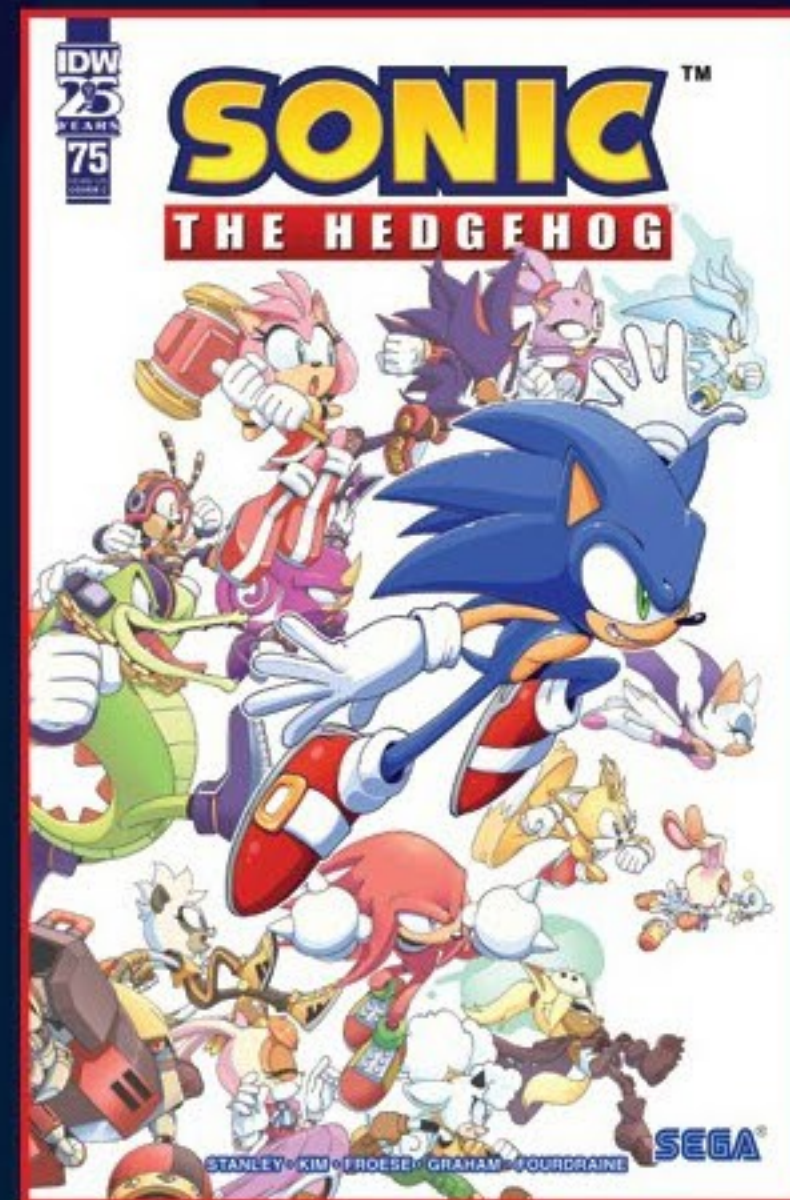
تولید
جوهانا ناتالی
ترجمه و ادیت کاور
معین محمد قلی زاده
ادیت
معین محمد قلی زاده و
هدیه فخاریان



کاور A
طراحی از یویی کاراسونو
از سونیک تیم



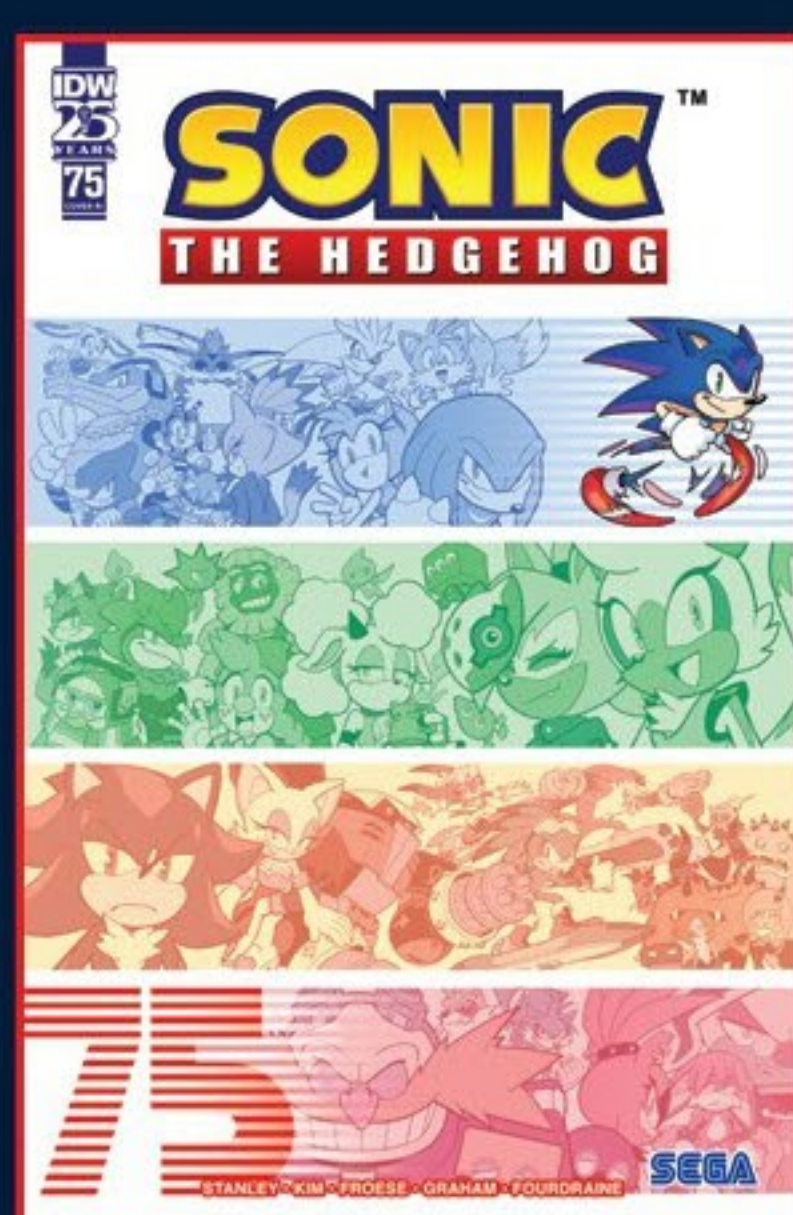
کاور B
طراحی از ماورو فونسکا



کاور C
طراحی از آدام برابیس توماس



کاور RI
طراحی از ناتالی فوردین



کاور RI
طراحی از تریسی یاردلی



کاور RI
طراحی از تاییسون هس

بنابر ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین هرکس بدون اجازه ترجمه، دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

IDW @IDWpublishing
IDWpublishing.com

SONIC THE HEDGEHOG #75. DECEMBER 2024. FIRST PRINTING. All rights reserved. SEGA is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. SEGA, the SEGA logo and SONIC THE HEDGEHOG are either registered trademarks or trademarks of SEGA CORPORATION. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 14144 Ventura Blvd., Suite 210, Sherman Oaks, CA 91423. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork. David Jonas, CEO • Andrew DeBaker, CFO • Gregg Katz, General Counsel • Tara McCrillis, President Publishing Operations • Bobby Curnow, Editor in Chief • Sean Brice, Sr. Director Sales • Aub Driver, Director of Marketing • Gregg Katzman, Sr. Manager Public Relations • Warren Buchanan, Licensing Manager • Lauren LePera, Sr. Managing Editor • Shauna Monteforte, Sr. Director of Manufacturing Operations • Jamie Miller, Director Publishing Operations • Jasmine Gonzalez, Director Ecommerce Operations • Alison Quin, Sr Director IT • Ryan Balkam, Direct Market Sales • Nathan Widick, Director of Design • Neil Uyetake, Sr. Art Director, Design & Production • Ted Adams and Robbie Robbins, IDW Founders. For international rights, contact licensing@idwpublishing.com.



IDW
SONIC
Persian

داستان تا به اینجا



ولی
فیلی خوب پیش
نرفته.

شما سه تا
اولین سرنخ‌های واقعی‌ای
هستید که داریم، و شما
هم مثل ما گیر افتادید.

و برای همین که
کارگاه بازی رو بهتره به
خرقه‌ای‌ها بسپارید... اینو ببین!



این بیکر تا خرقره پر از معاملات شست و
روپ هست. و مرد، الفی که کشیفن. تو فقط
اسم بگو، هرکاری پلی کردن! به ممض اینکله
این درز کنه. اونا به تاریخ
می پیوندن.

اوه،
واوا

بدک نبودا

قیییرررر

آزاری شیرینه
شیرین!

ایوللا!



فیلی وقتی می‌گذره
از وقتی که واقعا
دست به کار شدم،
ولی می‌دونید که از
قدیم چی میکنم...

...اگه می‌فواي
یه کاری درست انجام
بشه، بهتره فوراً
انجامش بری.



کلاچ، یه مدتی داشتم فکر
می‌کردم...

...و تصمیم گرفتم
که وقتشه به شرالت کاریمون
فاتمه بریم.



شما از یه مهرم فطرناک
مماظت می‌کردید؟ بهم دروغ
گفتید؟ قرار بود یه تیم
باشیم!

ما از
سونیک ماماظت
کردیم! من مطمئنم
دلیل فویی داره--

اون باید
با عدالت
روبه‌رو بشه!



نه! سونیک
پوپه تیغی یه مسابقه
واقعی بومون برهکاره--
و پندتا جواب--و
می‌فوام رضایتیم جلب
بشه!



سونیک جوجه تیغی

آبی تیزپا.
سرعت‌ترین موجود زنده.



مایلز "تیلز" پراور

دستیار خوره تکنولوژی.
نابغه‌ی بلند پرواز.



ایمی رز

شیرزن چکش چرخان.
از متحدین بازگردانی.



کلاچ صاریغ

تاجر فرسوده.
جمع‌کننده‌ی فناوری اگمن.



سرج تیغ‌پشت

سبز بدجنس.
تیزپای سرکش.



بایبلون روگ‌ها

دزدهای افسانه‌ای.
مزدورهای استخدامی.



تیم کیاتیکس

کارآگاهان خبره.
سازمان کارآگاهی کیاتیکس.



راف و تامبل راسو

تبهکارهای به دنبال انتقام.
برادر و مزدور.



بل سازنده

عروسک خیمه شب بازی سر به هوا.
تازه وارد پر اشتیاق.

خشنش.
خود تخریبی نا
بیست و پنج دقیقه
دیگر.

بیلا



امکان نراره. اتاق
موتور یه سیستم خود تفریبی
داره؟! فقط بول
به کدش دسترسی
داره...

پس بگو چرا اینجا داره داغ
میشه، بل. سیستم داره خودشو
اورلود می‌کنه.

صفحه فرمان در
کلاً سوخته... و همینطور
ما، به زودی.



اییااه!
سوختم!

عجب پایانی...
می‌دونستم به یه دلیل
از سونا متفر بودم.

می‌خواهی
به همین راحتی
تسلیم بشی؟
به قدرت بیلا

وکتور... وقتی یکشم
نتونست از جاش تلونش
بره، بعید می‌دونم تو
بتونی.

اومف--
اینا حرفای
لشکر شکست
فوردست!



تاق

استادیوم نوایی.

بر فراز
شهر مرکزی.

اون
فوب به نظر
نمیار...

نه بابا، از کجا
فومیدی؟ از اون سفینه
نابود شده‌ای که هدف
گرفته روی شهر؟!





آگه هرچه زودتر کسی دست به کار نشه، چت، قراره قاراشمیش بشه!

هم...



ویوا استور! دنیالم بیاید!

صبر کن -- قرار نبود سونیک رو تا سفینه دنیال کنیم؟

من یه فکر بهتری کردم!



آه!

شرمنده ام، همگی! من اینجام!

بالافره پیدارت شد، دوئو. نزدیک بمون.



الان وقت کم شدن نیست.



میمنیکا!

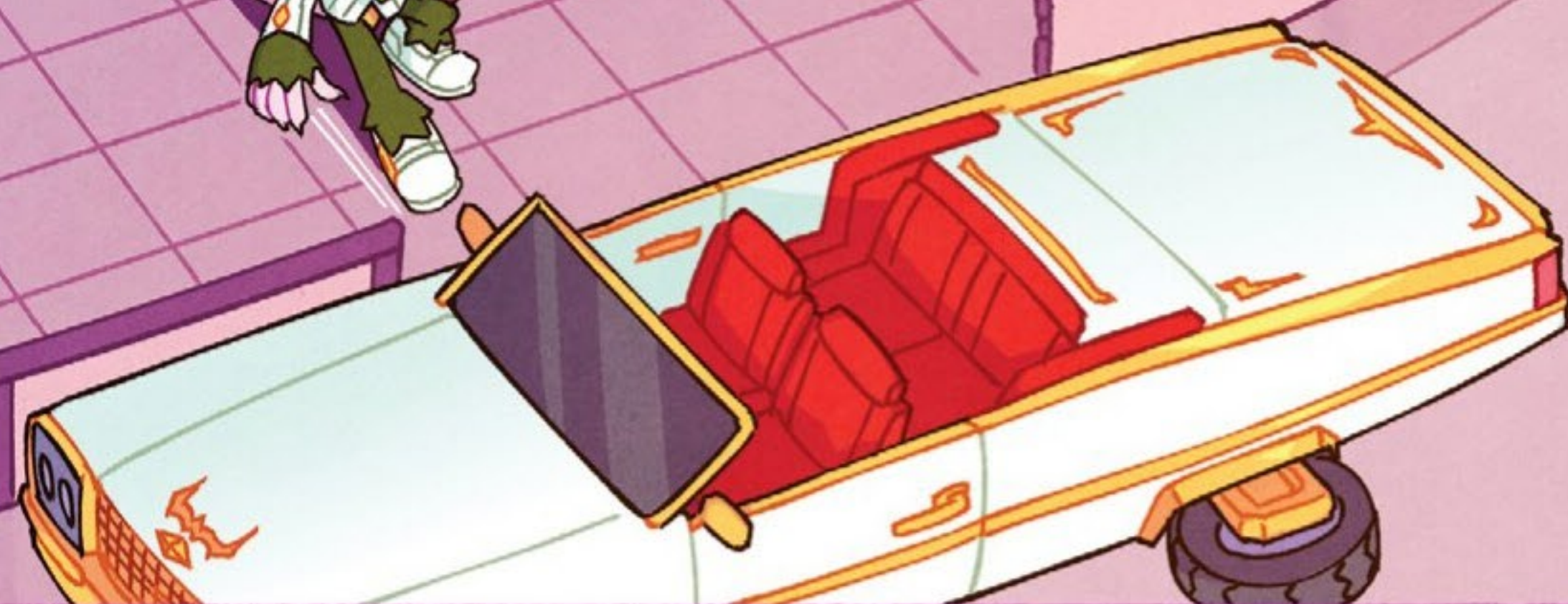


عرشه سفینه.



اینجا جاییه که
راهمون از هم جدا میشه.
مراقب قهر مشترکتون
منظره فوبی قراره داشته
باشه.

خشخششش.
خود تخریبی
تا بیست دقیقه
دیگر.



از سواریتون به
پایین لذت...
...



قققک!



فایپین



خب، پس تو
اون پست فطرتی بودی که
سر بازگردانی کلاه گذاشته
بود و این خرابکاری رو
بار آورد؟

من فکرای دارم
درباره طرز مدیریت
کسب و کارت، رفیق.

تو
باید سونید--
اووفا

شاد





اسکیو

گروراه!



اسکیو

سونیک
پوچه تیغی، هی و حاضر...
واسم کلی دردسر ساختی،
می دونستی؟

زیاد
می شنومش!



سریع هستی، ولی
کسی در برابر انگشت
ماشه ۴ شرط نیست و نبرد،
پسر جون!



اسکیو

هی،
ریس!

مفص اینکه
هنوز متوجه نشده
باشی... ما استعفا
میدیم!



...غرررر

من به دست په مشت
بچه گستاخ شکست
نمی خورم!



دیگه وقتشه
همه تون یاد بگیرید به
بزرگتر از خودتون و
بعتر از خودتون
افترا ۴ بزارید!



دیگه تموم شد
کوش دادن به امثال
پندشی مثل تو، کلاچ!



پیسس، هول!
میشه منو در جریان
بزاری؟

کلاچ
سفینه رو تصرف کرد.
من--من سعی کردم جلوش
رو بگیرم. من خود تفریبی
رو فعال کردم--

ولی اون
کنترل سفینه رو بهم زد!
کل سفینه قراره سقوط
کنه تو شهر!



فکر می کنید
برای پی بهتون
پول میدم؟!

بجنگید!

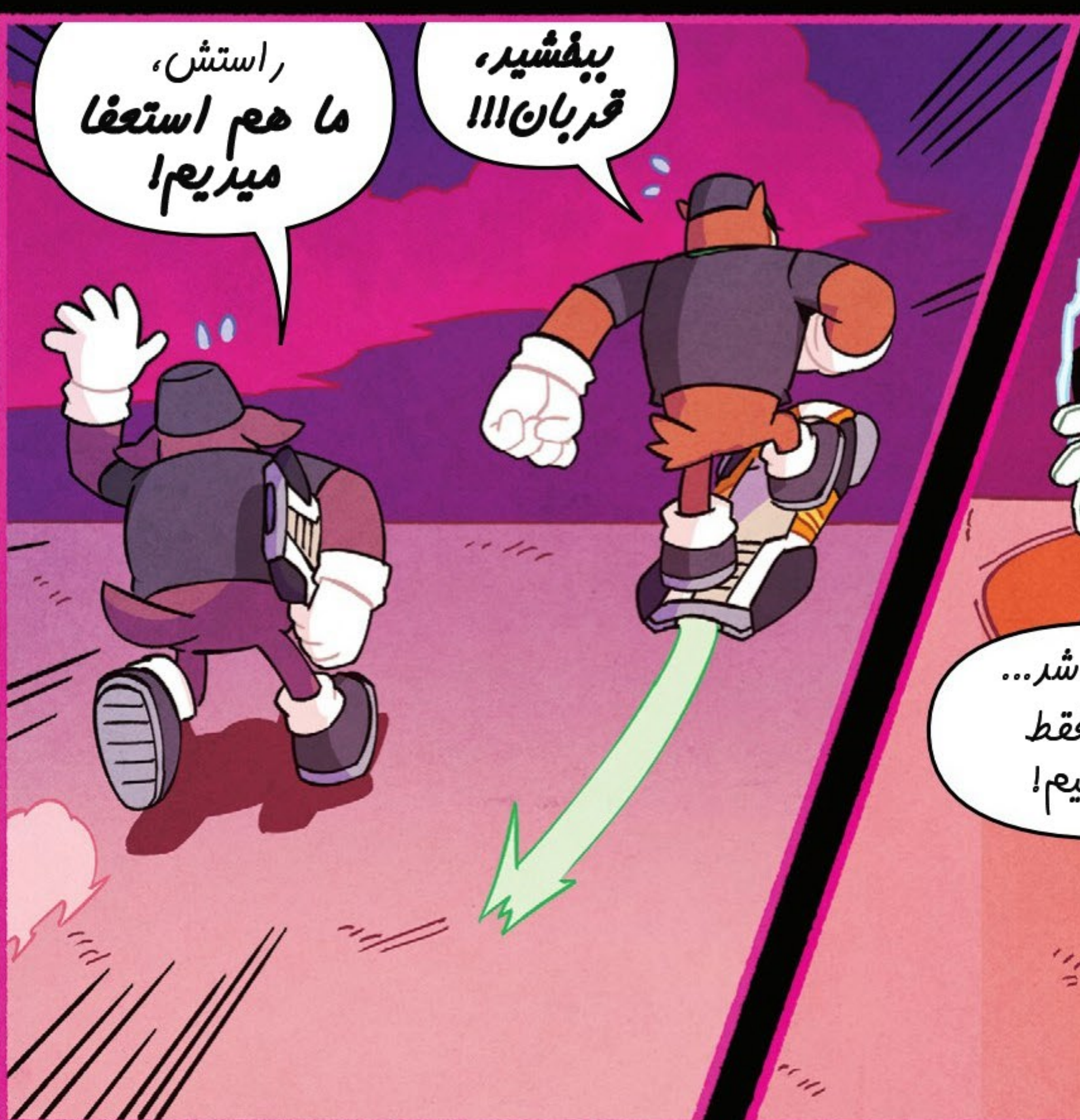


ش-شرمند، قربان!
ما... آه... فب... فب...

من الان تو وقت
استراحت پونزده دقیقه ایم
هستم، پس...



آفی... پیاید
تو، آب اینجا
فیلی فوبه!



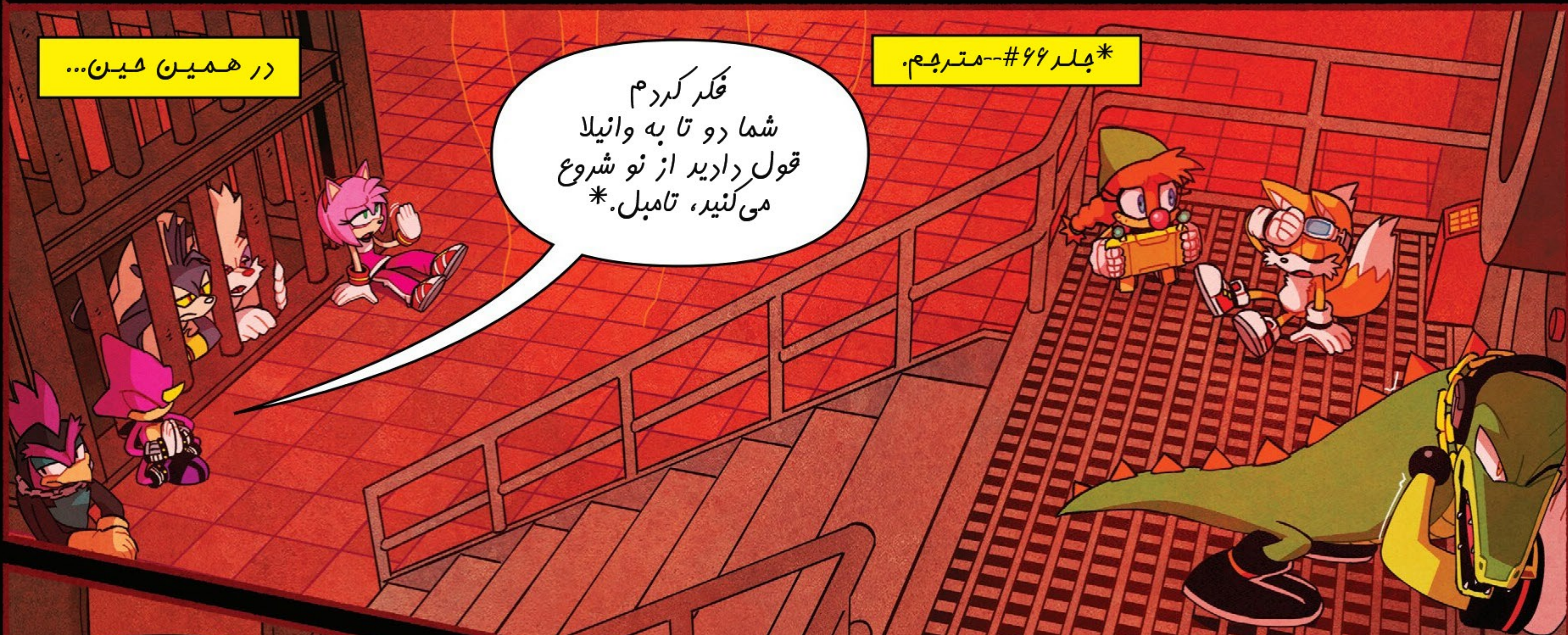
راستش،
ما هم استعفا
میدیم!

پیشید،
قربان!!!



فیلی بد شد...
ظاهراً فقط
فودمونیم!

فکر کردم
شما دو تا به وانیلا
قول دادید از نو شروع
می کنید، تامبل.*



چی شد پس؟
بیخیال شدید؟



ما از نو
شروع کردیم! آقای کلاچ
گفت فقط قراره اون
لباس ها رو بپوشیم.
ولی بعد از مون فواست
کارهای بیشتر و بیشتری
بکنیم...

آه
فوشتون نیومد،
پس چرا استعفا
ندادید؟

...استعفا؟
منظورت، مثل شغل؟
می تونی همپین کاری
کنی؟



ما همیشه
افراج می شدیم قبل از
اینکه فرصتی برای استعفا
دادن داشته باشیم...

در هیچوقت قفل نبوده.
تنها زندان، توی
ذهنتون بوده.

پشمام.
چه عمیق.

هالا ما رو آزاد کنیدا
کمکتون می کنیم،
قول میدیم!

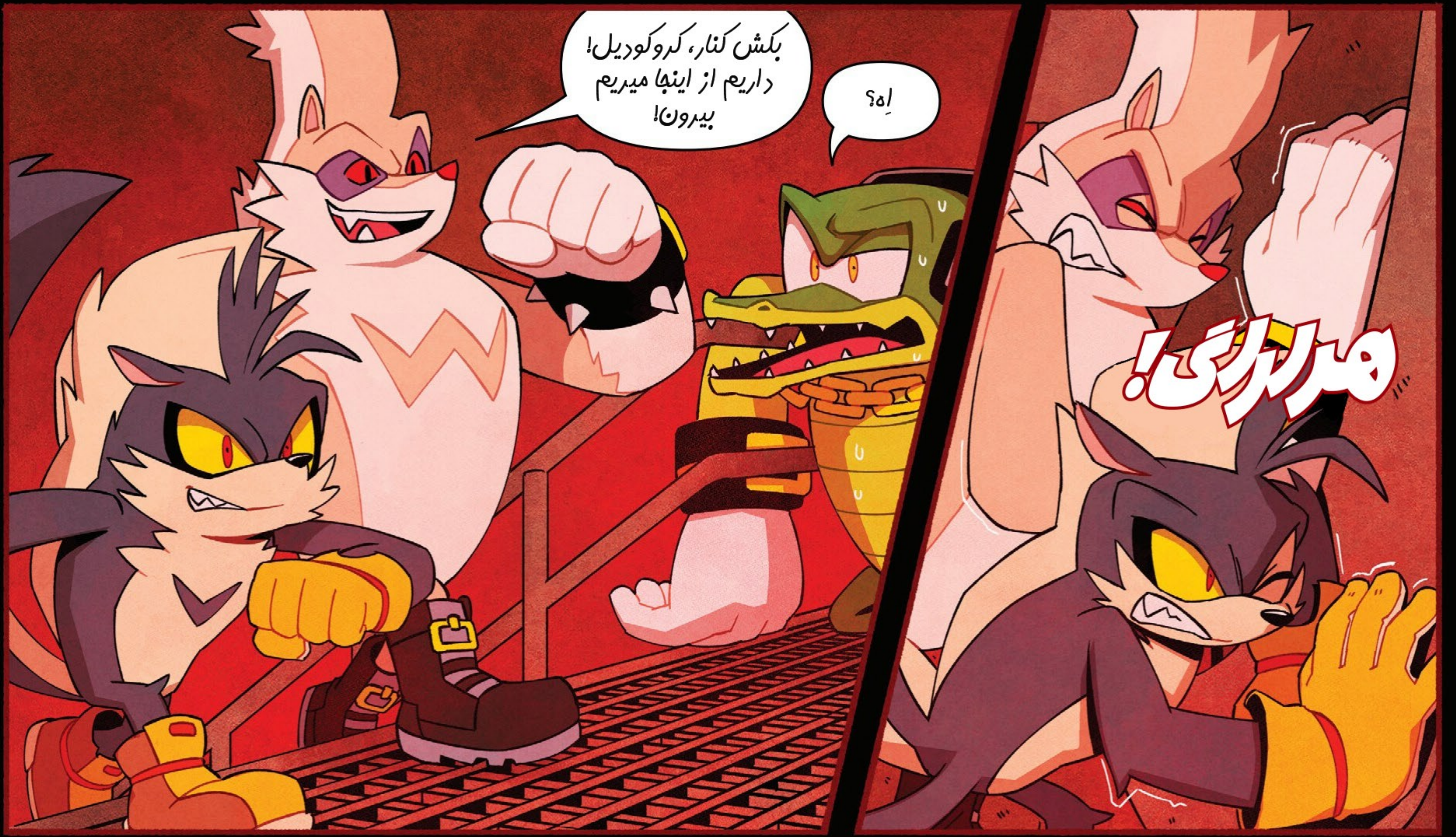


خب پس...
**استعفا
میدیم!**

نه، جدی قفل در رو
قبلاً شکوندیم.
بازه.



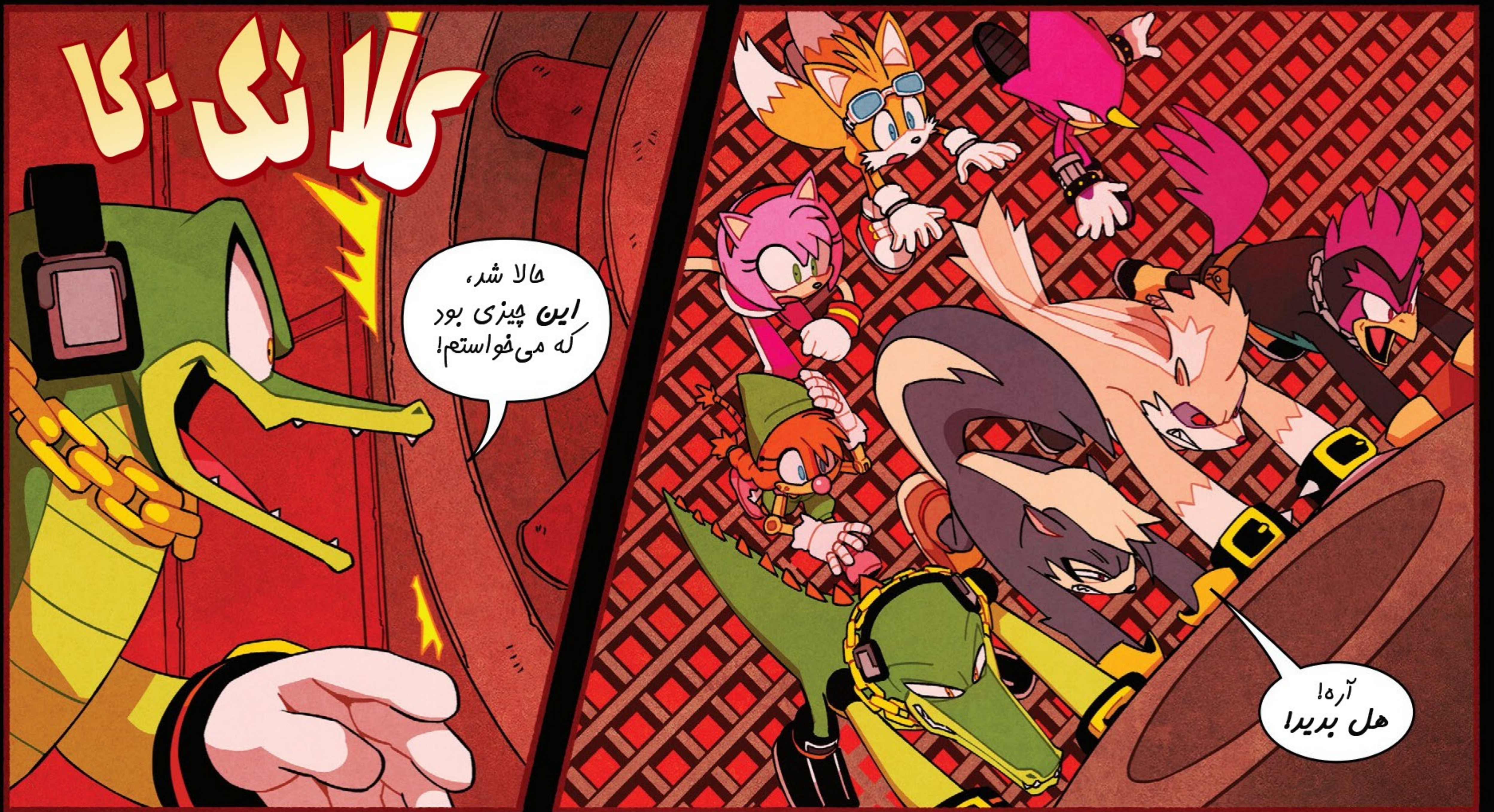
ها! اینو
می دونستم.



بکش کنار، کروکودیل!
داریم از اینجا میریم
بیرون!

آه؟

میلرنگی!



میلرنگی-گا

حالا شره،
این چیزی بود
که میخواستم!

آره
هل بیدرا



سین سین سین
سین سین سین



میلرنگی

طناب بقیه رو شل کنید و
بگردید ببینید می تونید راهی
پیدا کنید که از سفینه برید.
کلاچ رو بسپارید
به خودم.



هاا
عجب لوله تفنگ
بزرگی.



می خوام
چه کار کنی، از شن
مفترمانه بخواهی که
بوم شلیک کنه؟ هیچ
کنترلی اون بالا
نیست، پیرمرد!

البته که
نیستش...



...ولی من
آماره اومدم.



جانی جا

باددا
باددا باددا



به نظر
می رسه به یکم
کمک نیاز
داشته باشید!





این مبارزه
ماست!



عاو، بیفیل،
سرچ... هر دو مون می شوایم
حساب این یارو رو
برسیم!

باهم ریگه
آسونتر میشه!



ما کمکت
رو نمی شوایم!

قبوله.
ولی من نمیرم،
پس--



فیلی وقتی که یه مشت از
قهرمان های با اشتیاق رو اینجوری
زنده نداشتیم. آه، چه
دورانی بود.

هالا وقت
رفتن از این
فرا به ست...

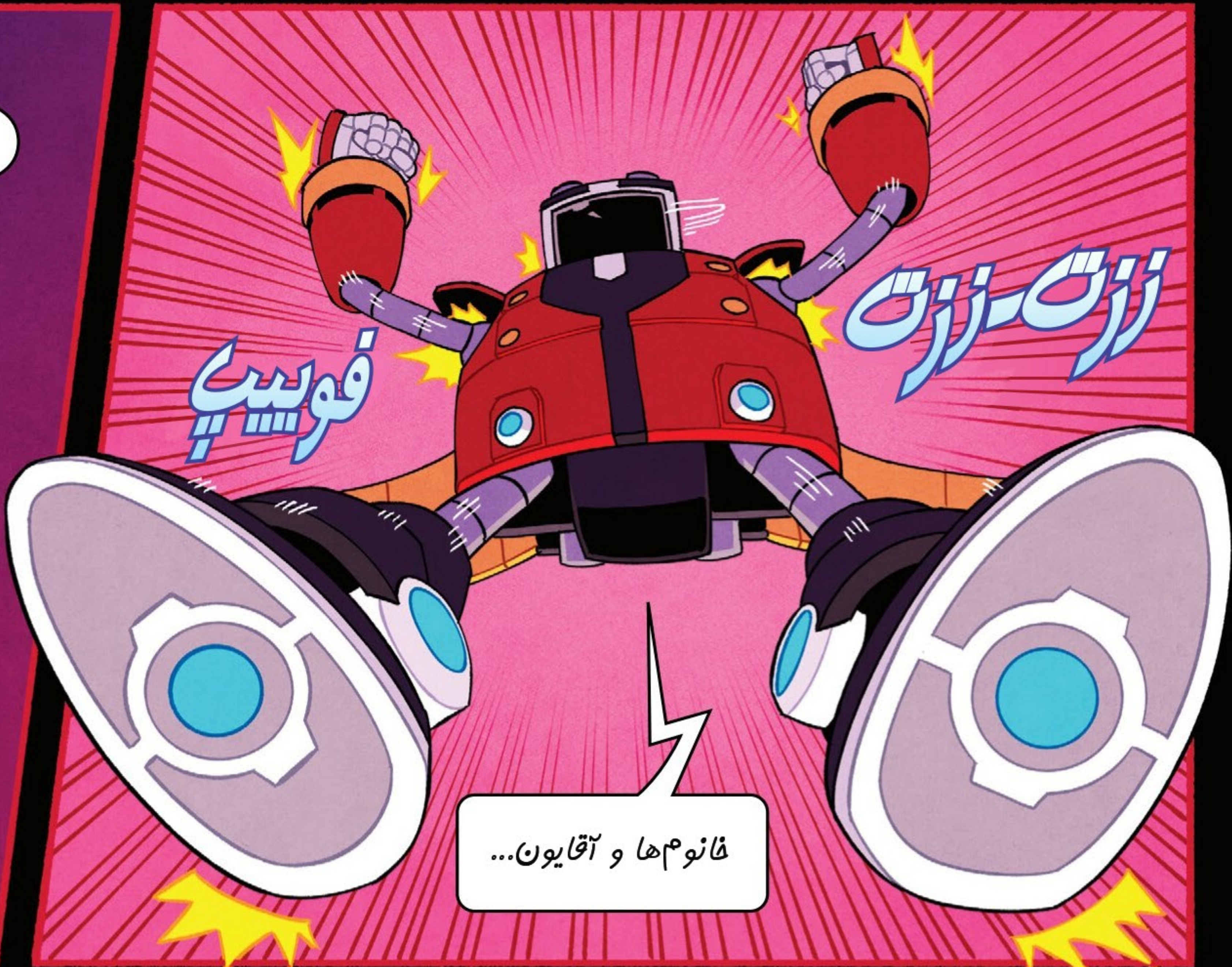


...به نظر میاد
شانس بوم رو
کرده.

چاک



Sal...



فویییپ

زرت-زرت

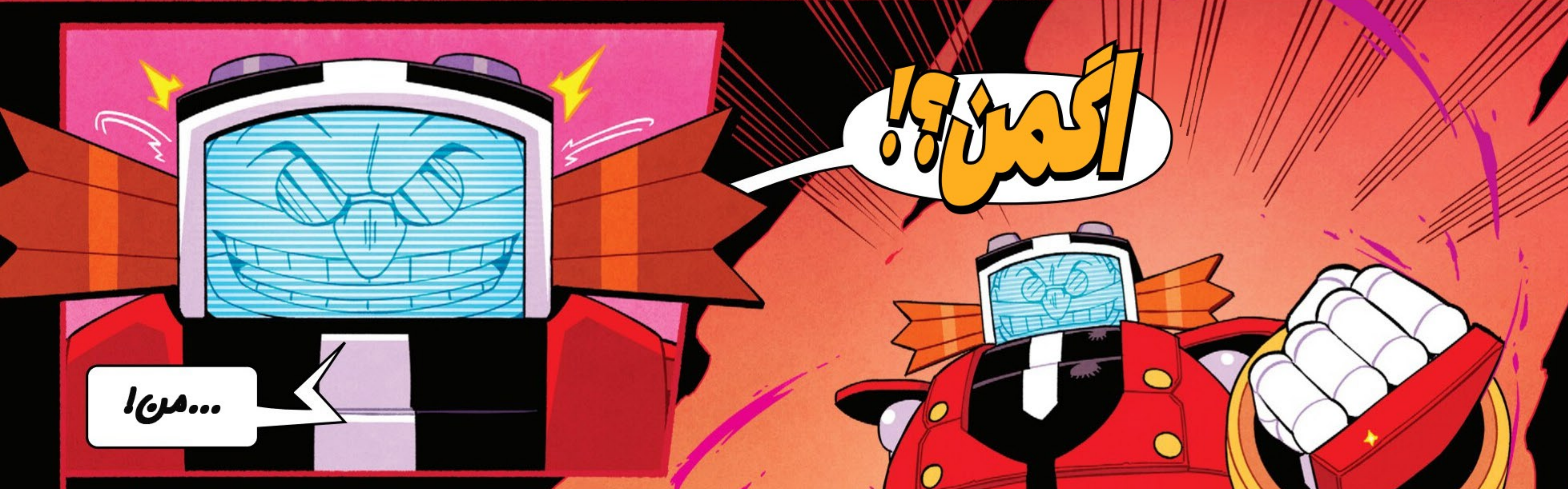
فانوم‌ها و آقايون...



کاتاکای

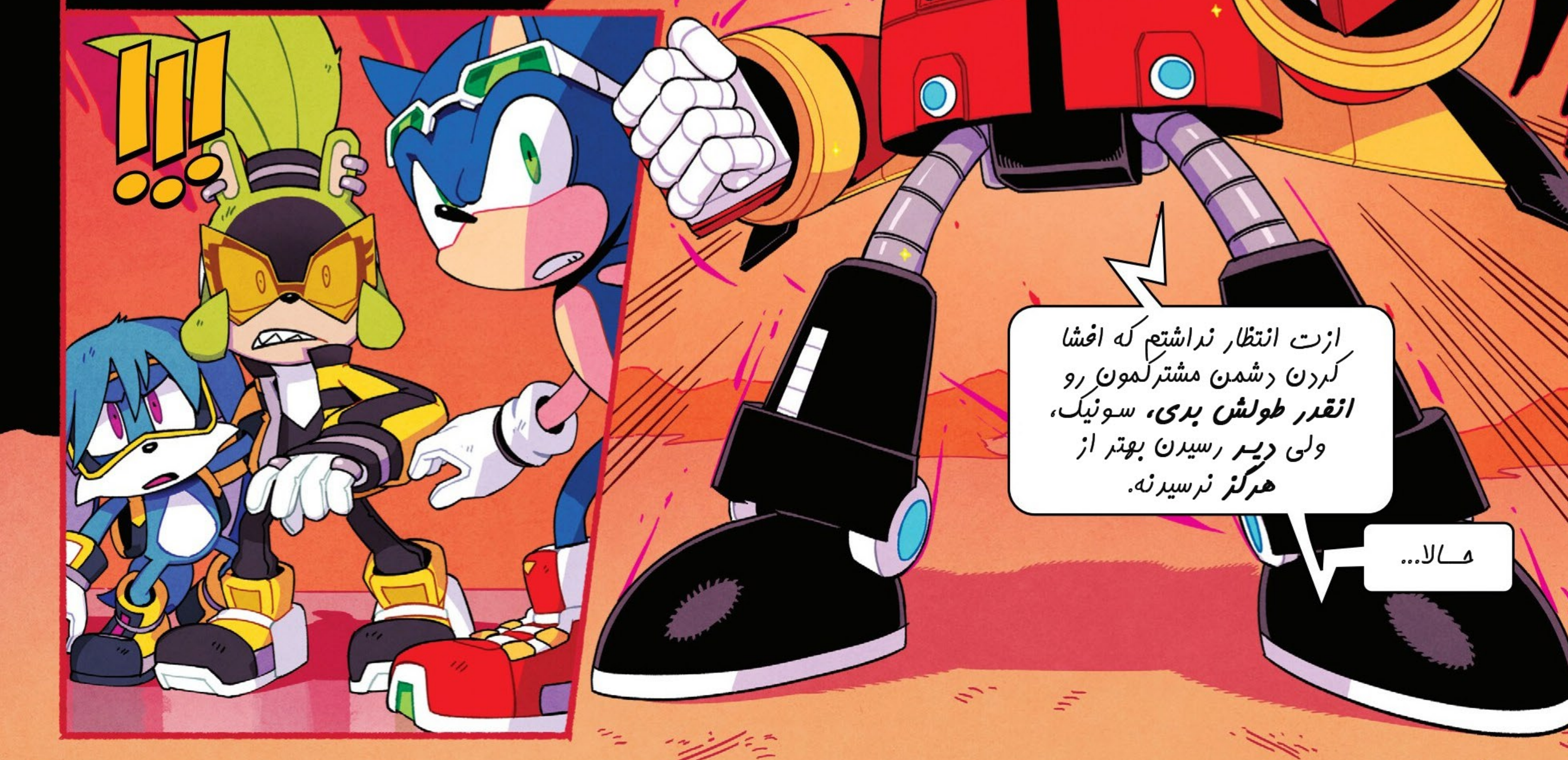


...فودتون رو آماده کنید، برای یکه تاز عرصه‌ی فباثت و شرارت...



...من!

اگمن؟!!



!!!

ازت انتظار نداشتم که افشا کردن دشمن مشترکمون رو انقدر طولش ببری، سونیک، ولی دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن.

...مالا...

باشیورم

...اهازه بره
خودمو معرفی کنم!

من دکتر آگمن هستم، نابغه‌ی
استثنایی!

تو ثروتت رو از سود بردن از
نبوغ خودم به دست آوردی، از هر
نظر منو مشکله خودت کردی.

هر چیزی داخل امپراطوری
آگمن به من تعلق داره. این
حقیقت رو انگار فراموش
کردی.

پس،
به زبان ساده
بفوا ۴ بگم...

دست به
چیزام نزن!

باشیورم

قرارمون
این نبود،
آگمن!

البته که بود.
تو فقط گوش نمی‌دادی.
پیری رو بره من.
اون مال منه!

گررداااا!

منو به بازی
نگیرید!



فوب گوش کن، کلاچ!

... و همه این فربکاری رو درست کنی...

تو قراره عذرفواهی کنی...

...فتی اگه مهبور بشم دستت رو بگیرم و بکشم کل راه روا

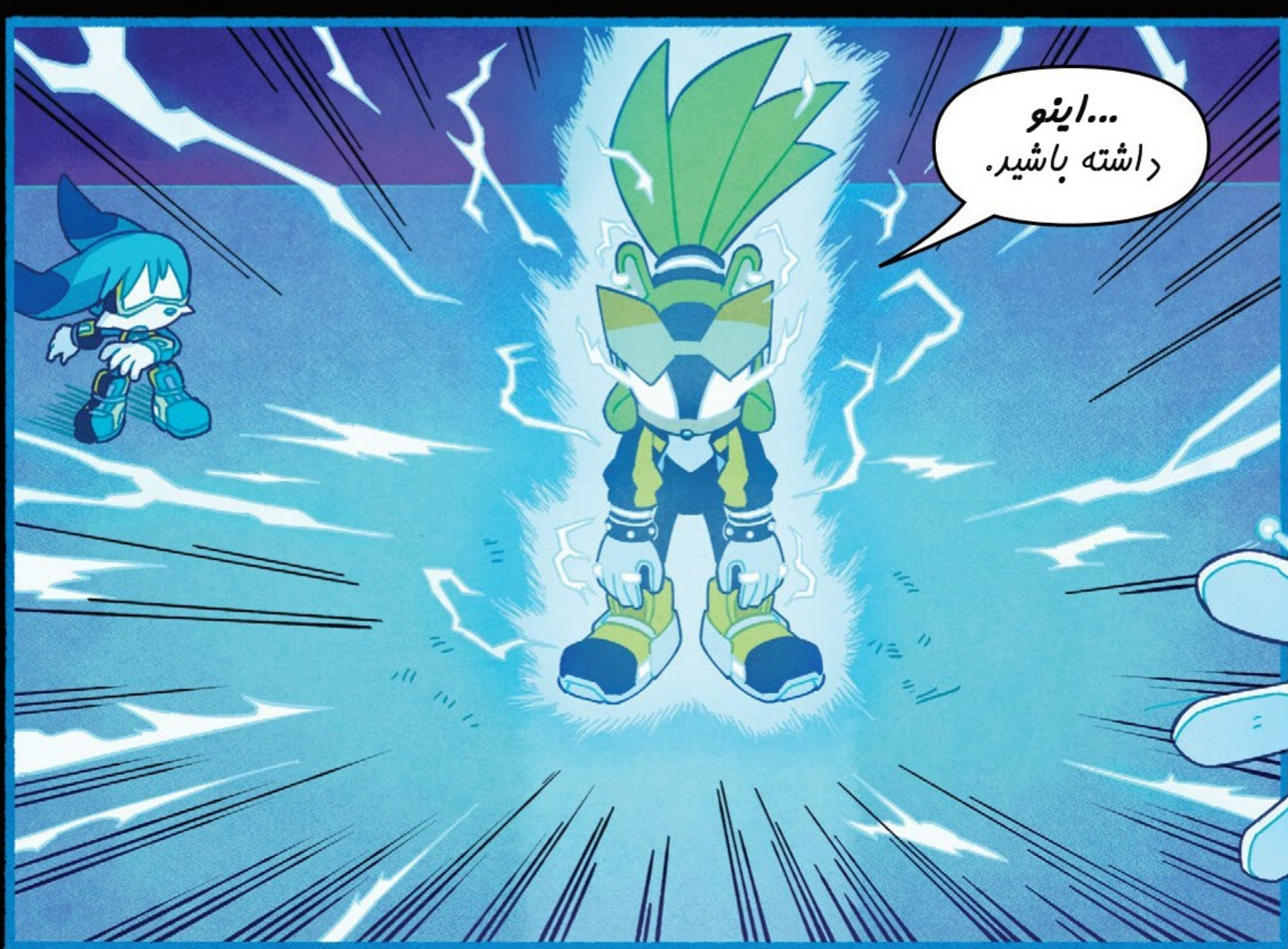


افتاده؟



آهای، ضعیفها...

ارر--ول کن! سرج الانه که...



... اینو داشته باشید.



اور...

شازارز!

۱۹

آآآآ

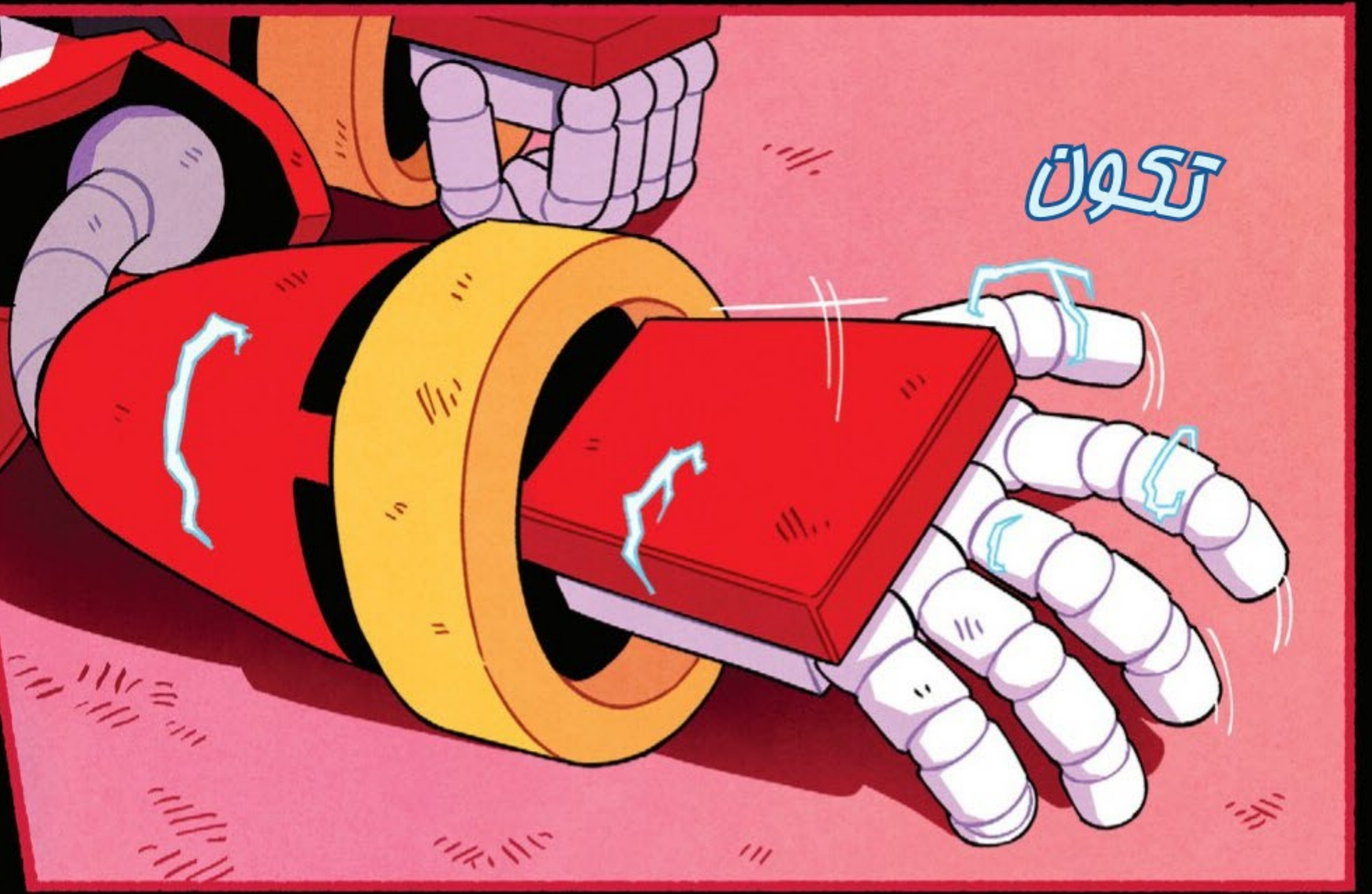
چی چی چی





ای وای--
فیلی به فودت
فشار آوردی!

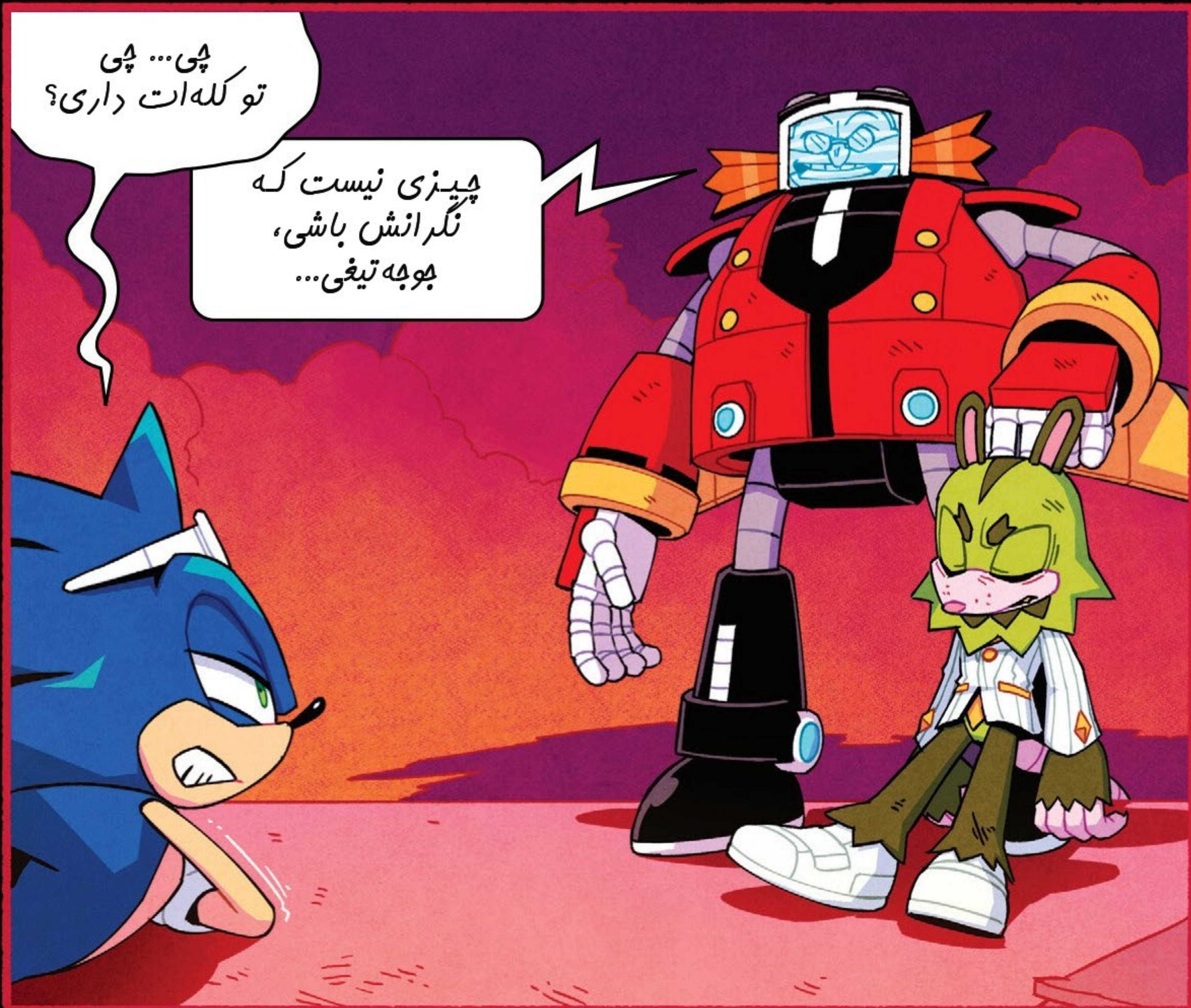
هه...
هواس پرت
داری میشی،
سونیک... شل
میگیری...



اگ...
من...

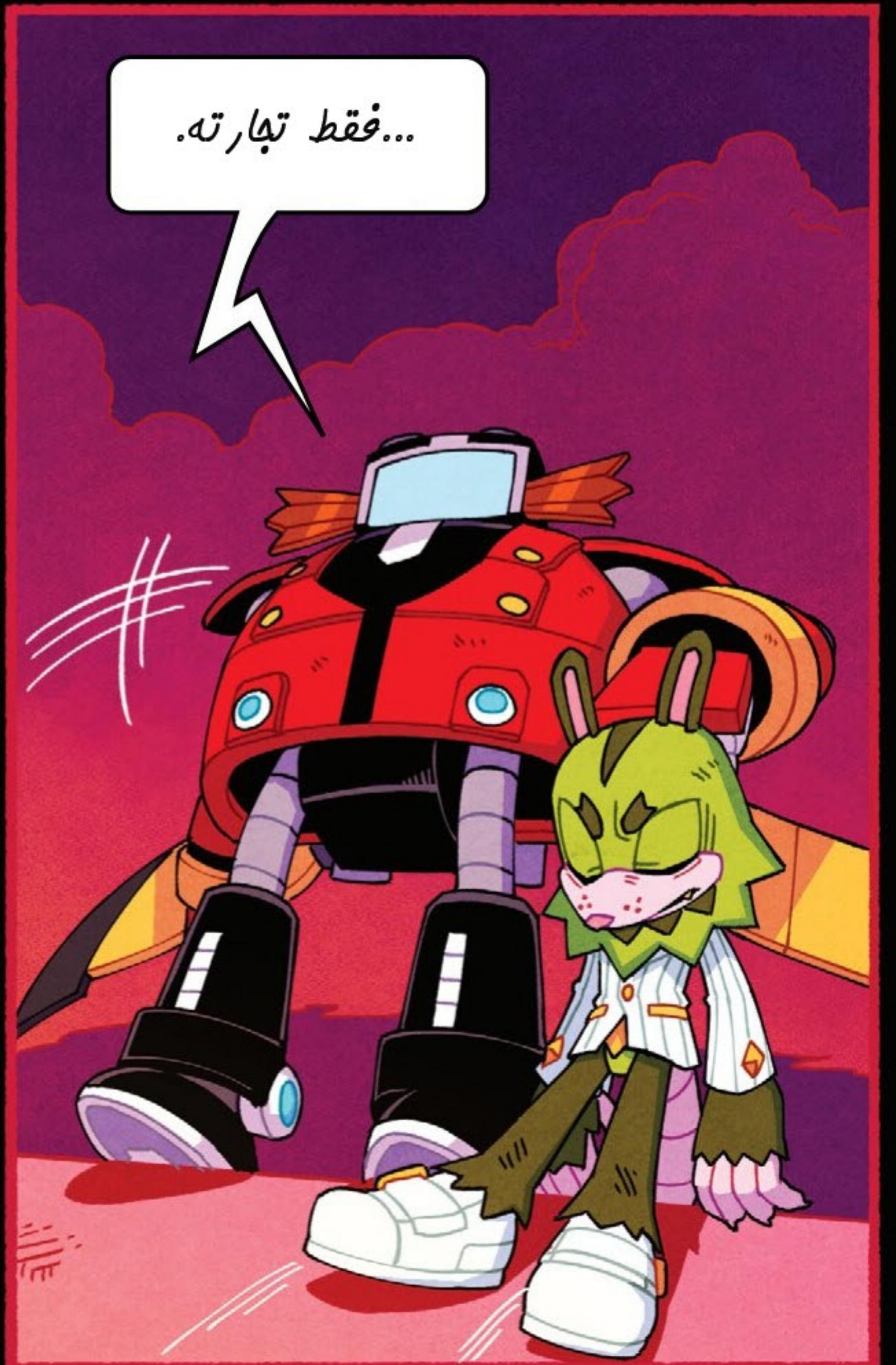


فکر کردی--کنز--نمی تو نم...
یک محافظ خداتافت
الکتریکی پیچید بسازم؟



پی... پی...
تو کله ات داری؟

پیزی نیست که
نگرانش باشی،
بوجه تیغی...



...فقط تبارته.



اووف...

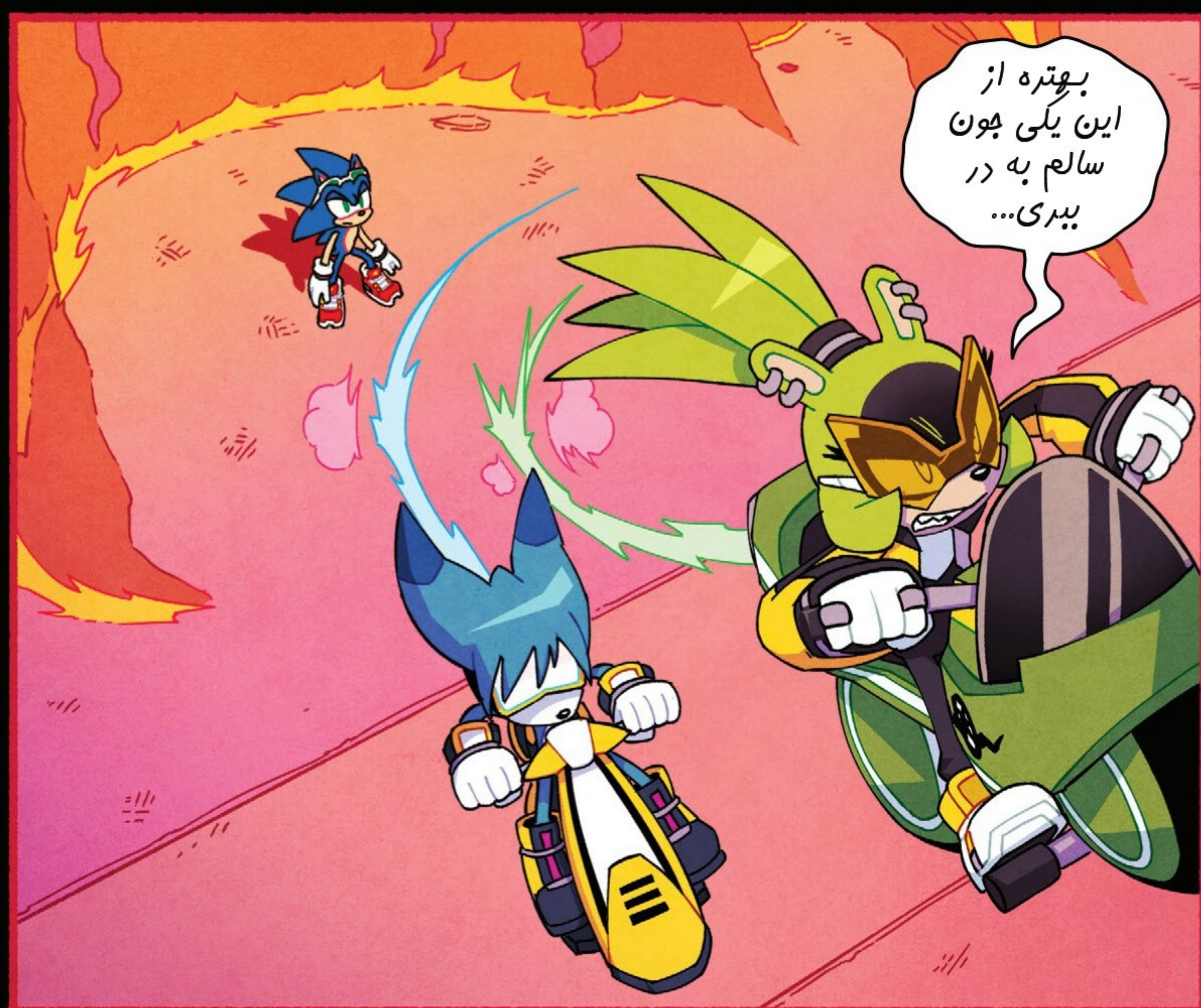
یه جورایی
دلَم می سوزه
برای اون
یارو کلاچ.



هی.
آبی.



این دفعه راحت می ذارم بری، ولی فقط
بقاطر اینکه این یه مبارزه واقعی نبود.
نری فکر کنی این یعنی دوست
شیریم.



بهتره از
این یکی چون
سالم به در
پیری...



تا بتونم
منصفانه کارت رو
تموم کنم.



خشکش.
ژ-ژ خودلخریبی
ناپ-ر-پالزده
دقیقه دیگر.

به نظر می‌رسه
تمام نیروهای امنیتی
شست و روب فرار
کردن.

فوبه!
امیدوارم سرشون به در
بفوره تو راه فروج.



فکر کنم بهتره
ما هم از اینجا
فرار کنیم...

می‌تونم درستش
کنم! فقط باید وارد
بشم قبل از اینکه کل
سیستم قطع بشه--



فلزت
--نه!



...این بره، درسته؟

واقعاً موم
نیست پقدر هکر
فوبی باشی وقتی
سفت افزار در حال ذوب
شدن باشه.

سلام؟



اها!
تو فرار
کردی!

فب، البته
که کردیم!

کج شدن



ببینید،
جای نوک
سفینه!

هالا شد،
این پیزیه که دلم
می‌خواست ببینم!



"امکان. نداره. اونا دارن
ما رو بالا می‌کشن!"



"فیلی از مردمی
که مسابقات شست و روب
رو دنبال می‌کردن سواری‌های
فودشون رو آوردن..."



"...اونا شاید کم باشن، ولی
کنار هم بزارشون و اونا قدرتمند
میشن. قدرت دست مردم
هست، کلم!"



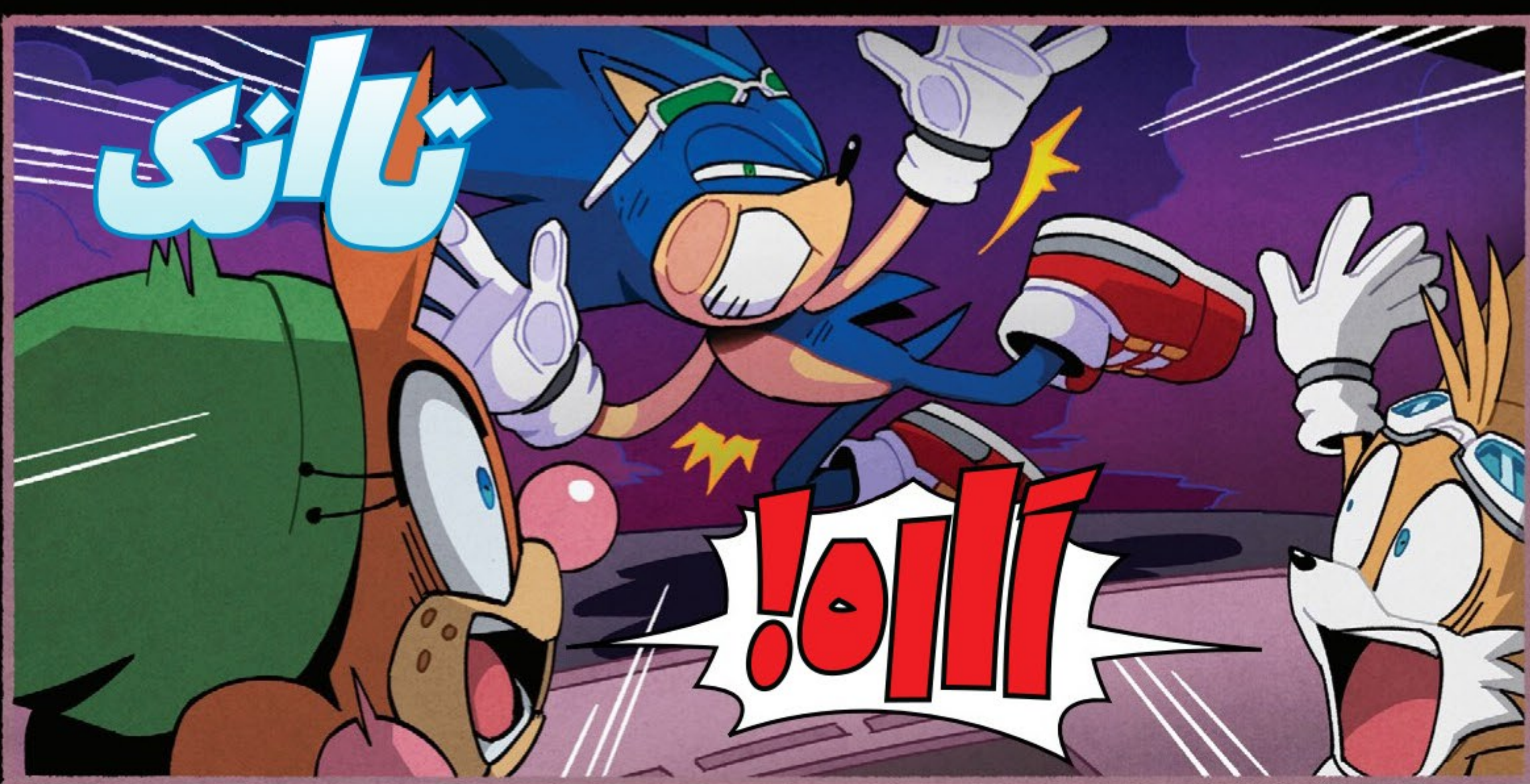
اون واقعا
کار می‌کنه؟

نمی‌دونم، ولی
تنها گزینه‌مون هست
الان.



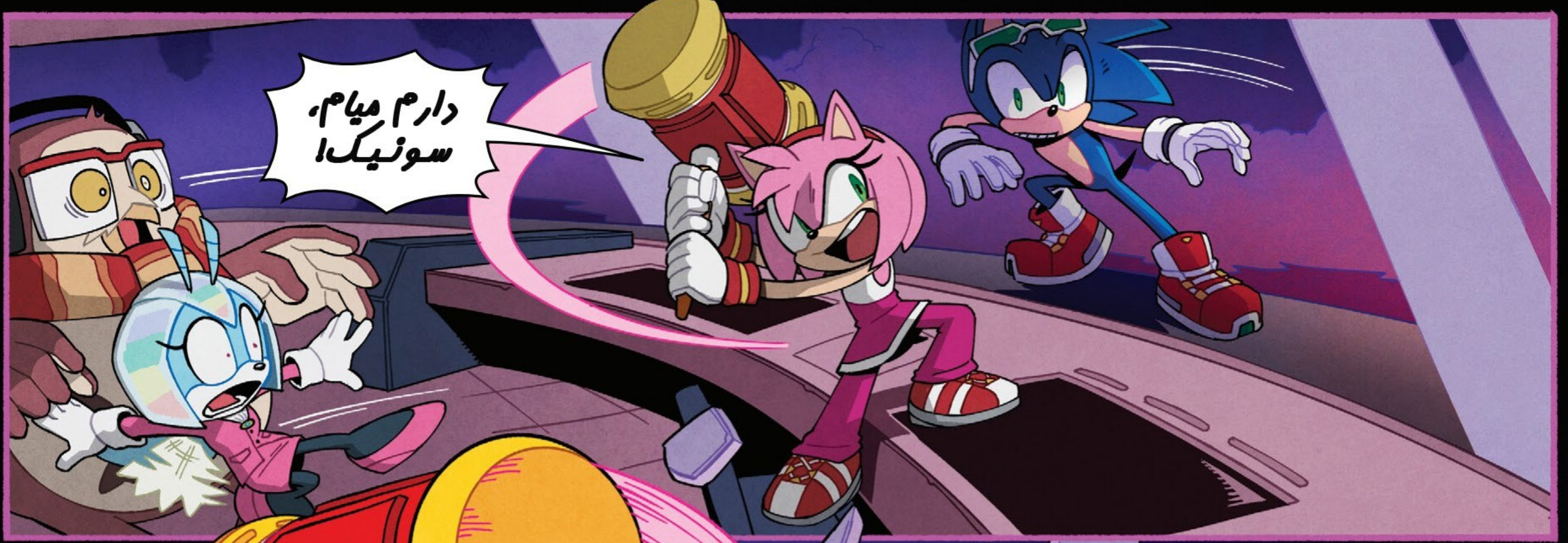
حاجتی

هی، بیاید
روی عرشه!



تانی

آاه!



دارم میام،
سونیکا



اوه، سونیکا!
پقدر دلم بردات
تنگ شده بودا

وواه،
مراقب باش!
یکم اینها سوخته...



سرج، کیت،
کلاچ و اکمن فرار کردن.
ما باید--

اگمن؟!!

داستانش
طولانیه.



چتا
پی--

--وقتی
بنابعالی داشتی
سگ دو می زدی،
بایلیون روکها سفت
مشغول به کار بودن!
ما این قراضه رو
می کشیم تا سقوط
کنه!

بله، بله...
قابلیت رو
نداشت.

بین و یاد بگیر-بزن
بریم، روک‌ها!

حله،
رییس!

بکشید!

بکشید!

و بریم

بکشید!

کج شدن



تلاش‌ها
برای برقراری ارتباط
با سفینه بازگردانی بی‌پاسخ
ماندند، و به این باور رسیدیم
که رها شده یا به شکلی
غراب شده.

تلاش عمومی‌ای
صورت گرفته برای
سعی در تغییر جهت
حرکت آن، ولی--
هی‌ا پیش ز نرسد،
نمی‌تونی--

میشه فواهشاً
دوروبرت رو
نگاه کنی؟



"اون سفینه
داره میاد پایین، و قراره
ما رو هم با خودش بیره!"





بهنیبرا
تمام زورتون
رو بزنید!

به نظرت
داریم چه کار
می‌کنیم؟



اگه نقشه‌ی دقیقه نودی‌ای
داری... الان بهترین
وقته، رفیق.

من سعی
کردم، ولی...



نمی‌تونیم جلوی سفینه رو
بگیریم، ولی می‌تونیم
انتخاب کنیم که لها
سقوط کنه...

من یکی دارم.



...اونجا، فرابه‌های
امرالدویل.

مقر اصلی بازگردانی.





وقت پروبش کردن هم نداریم!

ما از تو دستور نمی‌گیریم، سونیک پوچه تیغی!

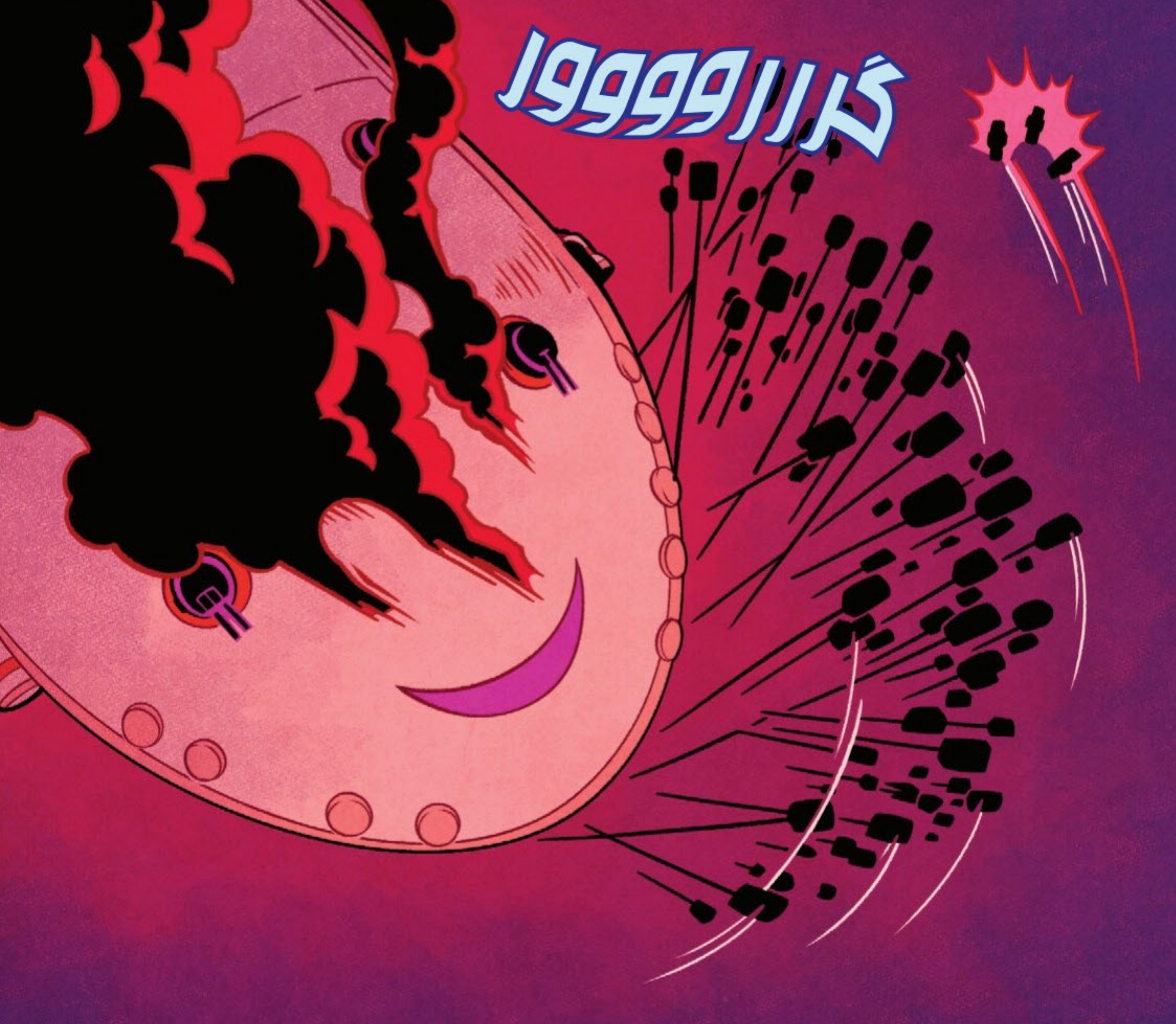


یو، نقشه جدید! پیریدش اون سمت!



دور بزنید!

باشه. دور بزنید، کمونم...



گزارا ووووو!



پول... مقر اصلی بازگردانی فالی نیست، هست؟

گریه



مراقب... بهتر از شهره.



هی، پرا
همتون پکرید؟



این سفینه قراره سقوط کنه!
و منفجر بشه! روی به ساقتمون
پر از مردم! معلومه که
ناراحتیم!

ولی سقوط
و منفجر که نشده
هنوز، درسته؟



بفرما، دور زدیم.
امیدوارم به نقشه
واقعی داشته باشی،
بوجه تیغی.

ایماناً علاقمند
به یک رقابت دوستانه
نیستی، هستی، بیت؟

اِه؟



سارست.
هرکی اول بتونه تعداد
نفرات بیشتری رو از مقر
اصلی بازگردانی به بیرون
پیاره برندست.

اوهو... بالاخره،
یه چیز قالب!



هرکی
میخواد بپار، دنبالم
بپار!

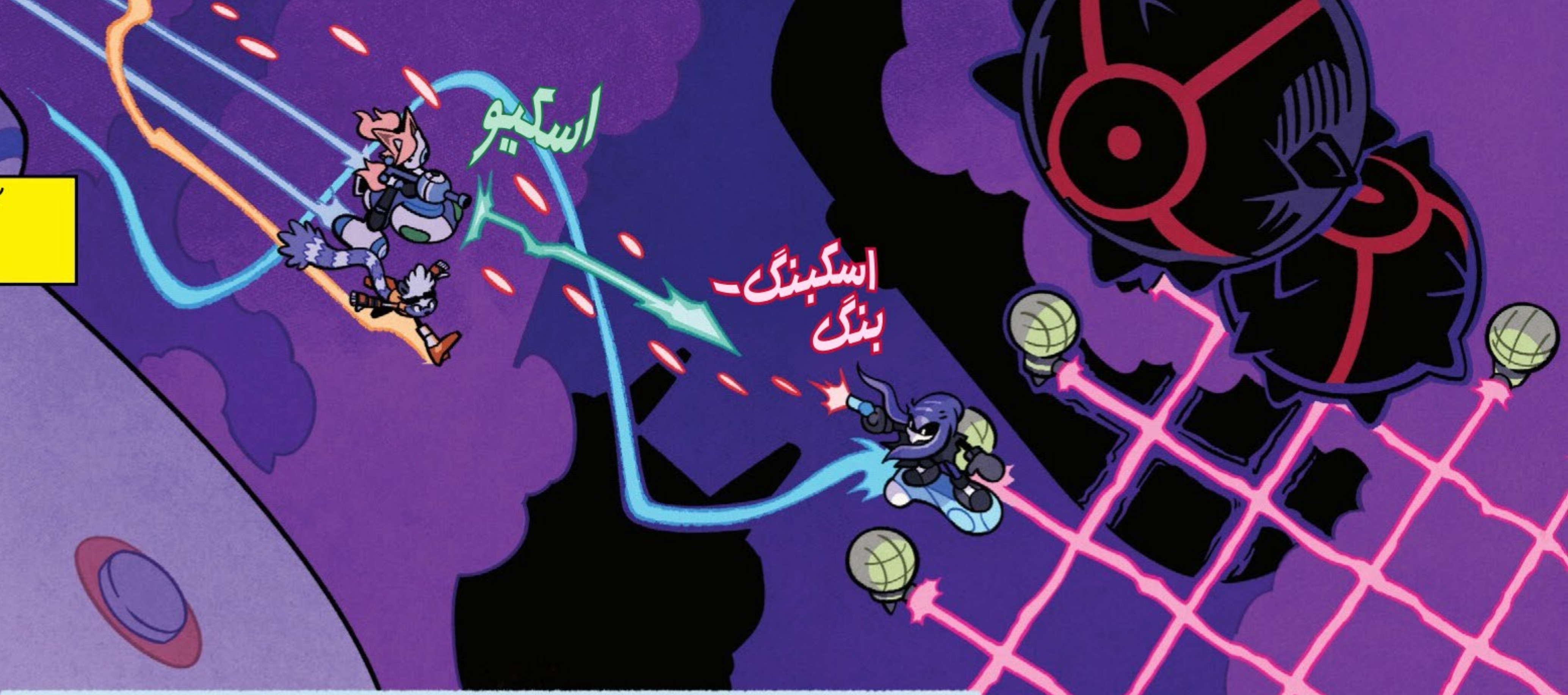
نایت، دان--
شما خودتون میتونید از
سفینه برید، درسته؟

اوه آر.
دقیقاً همون چیزی
که نیاز هست رو
داریم!

آماده،
فاصله،
حرکت!

در همین حین...

آمفی تئاتر مسابقات
شست و روب.



اسکیو

اسکینگ-
بنگ



از تمام--
ررر!

بسم



اینجا آخر قطه،
میمیک!



پووم



وایستا،
نکن--!

وایستا



ووووش



نه...
گمش کردیم.

اون
کجاست!
میمیک
کجاست!؟

وواه،
ویسپرا!

ما
میمیکی نمی شناسیم.
ذ-فواشش می کنم
کاری با خانواده م
نداشته باشیم

یا!

آه!

خردارچه

مسیر مسابقه داره
از هم می پاشه! چه
کار کنیم؟

اسکیورینگ

اهم.
اسم من
لانوین...ه

چک-چک

...من همراه با
دایموند کاترها از
بازگردانی هستم.

می‌دونم همتون
ترسیدید. کاملاً این حق رو دارید
که باشید. ولی شما تنها نیستید.
ما اینجاییم تا کمک کنیم.

فونسرد باشید
تا وقتی من و تیمم
سفینه رو به محل فرود
امنی هدایت کنیم.

...لطفاً.

کلی چیز هست
که باید واسشون جواب
پس بدم. من اشتباهاتی کردم.
و... بهتون حق میدم که بهم
اعتماد نکنید. می‌دونم گاهی وقتا
بطور می‌تونم باشم.

من
تغییر کردم... و نه
همیشه در جهت بهتر.
ولی یاد می‌گیرم.

آه نمی‌خواید
بعد از این باهام
کار کنید--

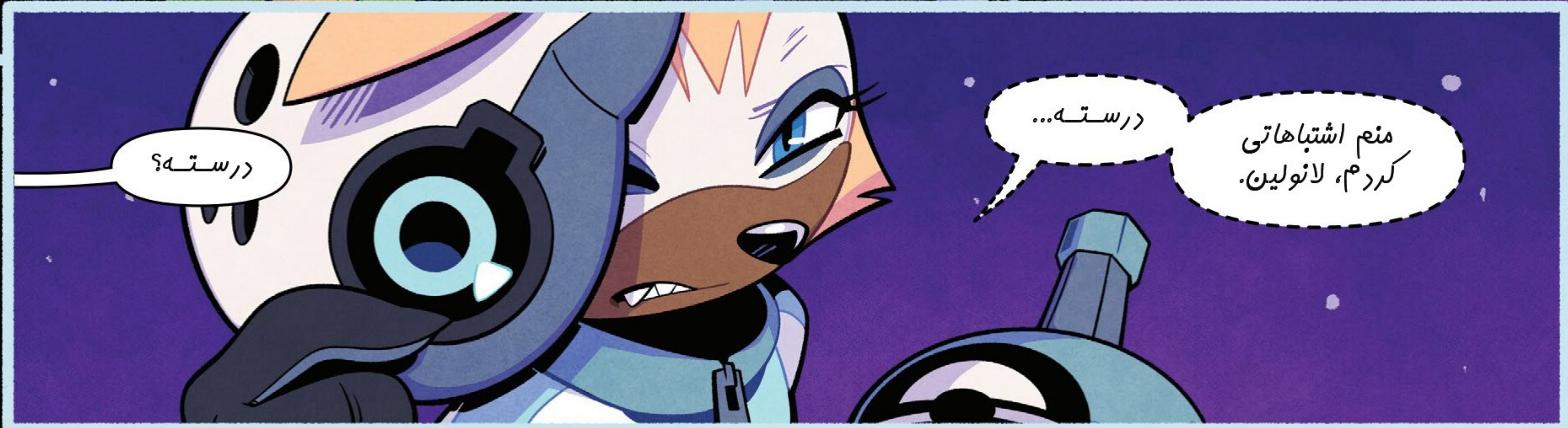
نگهش دار،
لانوین.





ما هممون
تو یه پیوه هستیم،
و این مردم به کمک
ما نیاز دارن.

پس ما هم
قراره کمکشون
کنیم. این کاریه که
می‌کنیم.



درسته؟

درسته...

منم اشتباهاتی
کردم، لائولین.



اشتباه برداشت نکنی،
من هنوز ازت عصبانی‌ام!
ولی اون واسه یه وقت
دیکه‌ست!

...ممنونم.



اوکی--

--بزن بریم،
دایموند کاتر ها!
ما یه شعر برای
نجات دادن
داریم!



نزدیک
بود... خیلی
نزدیک بود.

مقر اصلی بازگردانی.

یو!

اینجا داره
خرو می ریزه،
یعنی، همین الان،
پس--

اووفا!

بویست!

یه سفینه
قراره مقر اصلی
کوچولو تون رو صاف
کنه. آله می فواید زنده
بمونید، پس بوتره همراه
من بیاید.

یا
من!

وراجی بسه،
پیا مسابقه
بریم!



صبر کن،
بل! به نظر میاد
یه نقشه‌ای داری.



کارگاه ماشین انقدر از هر چیز دیگه‌ای
دوره، اونا نمی‌تونن چیزی از
سالن اصلی بشنون. یکی باید بره
بهبشون هشدار بده.



همگی بیرون،
تقلیه اضطرابی
به سالن اصلی
برید!



نه هنوز.
اینم از همگی!



اوه، بل...

مدارات بی‌سرپوش
اون توان پایا شدن رو نداره.
ممکنه حافظه‌اش رو از دست بده،
یا بدتر. ولی آله بتونم تعمیرش
رو تموم کنم--

تو هفته‌ها
درگیر اون چیز بودی قبل
از اینکه بری به مسابقات
شست و روب.



و منم جایی
نمیرم، نه وقتی
که می‌تونم کمک
کنم!

شرمندره آبی، ولی
این کارگاه منه. من
همیشه اولین و آفرین
نفری هستم که
میره.

صبر کن--
شما باید از
اینجا برید!



ما رو به کار بگیر،
بل. ما یه روبات
برای ساختن داریم!

به این
میکن
روهیا!



هشتا بگف...
هشتا

من شیش تا دارم.
تو چندتا؟

“هالا یازدها”

“شونزدها هراقل
می تونی سعی کنی
به پام برسی؟”



بیست
و سه



“بیست و هشتا”

“سی و یکا”



چول و
شیشا
همینا!

جی؟! جی!



زرتخرریب
خ-خ-خ خوددکار
تاسه... دو...
یک...

کابو هاج



اوه نه... نه...



نوزارها حساب نیستن. مامانشون اونا رو بغل کردن!

اوکی، پس اون یارو چی که پچه داشت که تو--

اون کاملاً فرق داره!



هووفا فکر کنم همشون رو آوردیم، ولی میرم به نگاه دیکه بندازم، ممض احتیاط!

نمی تونی! منظورم اینه که... بین! تموم شد!



تا من نگم تموم نیست. درسته، چیت؟

من...



بیخیال-- اونها دیکه با فاک یکسان شد. من الکی چونمو برای هیپی بفاطر نمیندازم.

اِه، هر طور فودت راحتی.



لطفاً مراقب باش، سونیکا!

کی نیستم؟

آه.
کسی هنوز هست
اونجا؟ در فواست نهایی
برای مسافری
هویه تیغی!

سوپنگا!



تیلزا



هنوز اینجا
چه کار می‌کنی؟

سرفه...
بین...



نفست
رو نگه دار، رفیق.
بعش نیاز پیدا
می‌کنی.

سرفه...
آهه!
هقق...

وقت
زیادی نداریم.
آه--





بل، با
علامت من، ازت
می فوام اون ستون بزرگ
رو لگد بزنی. یلم آوار
نیاز دارم. تیلز،
دنبالم بیا.

سه،
دو،
یک...



حالا!

دبندی
کلکی

سینف



باشووم



وایریم

گرفتمت!



وویش
وویش



بفشکی--

سونیک!

شاد

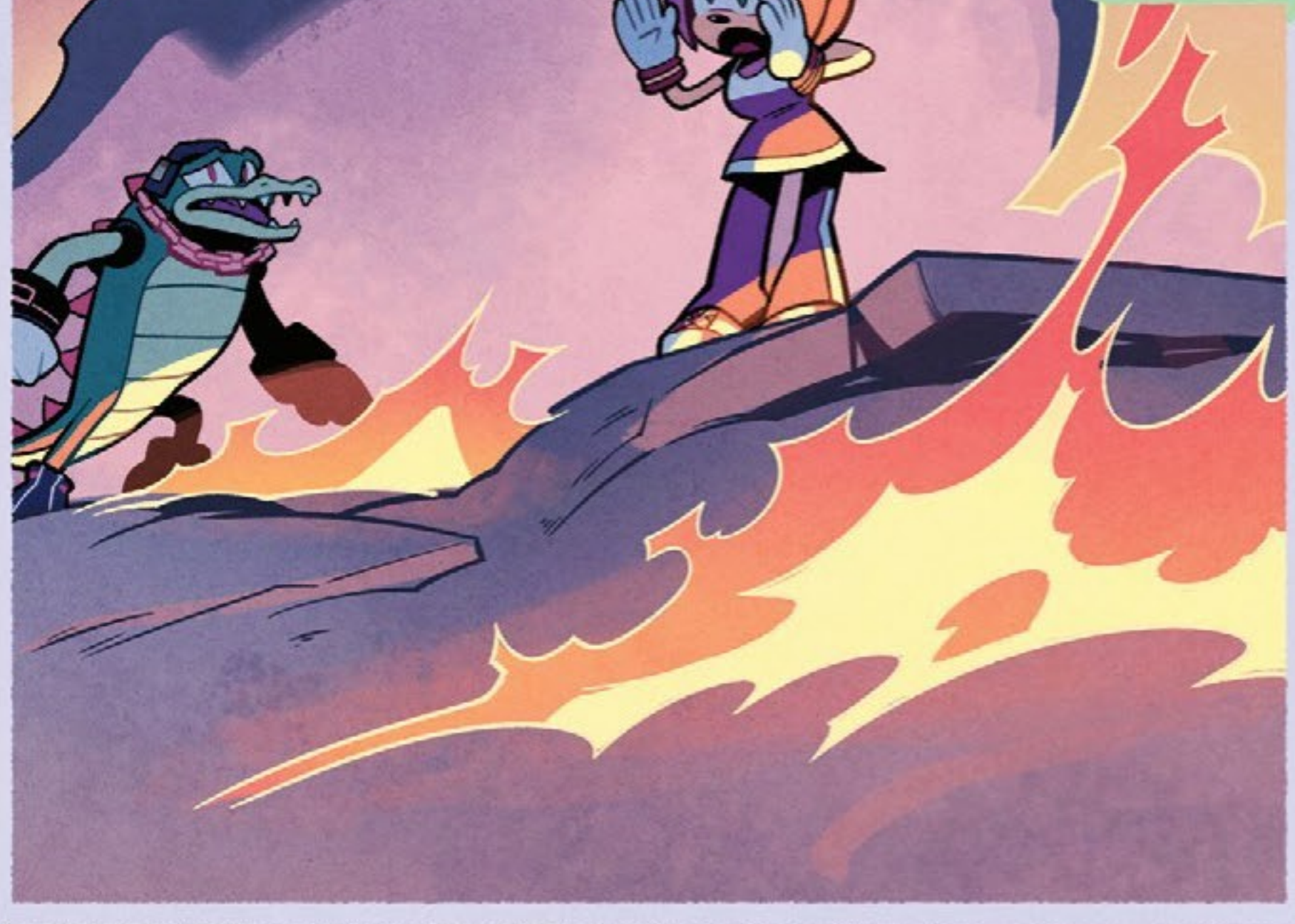
سوووونیک!

هی، ایمی!
فکر نکنم اون بالا
امن باشه!

این چیزیه
که من گفتم، ولی
کو گوش شنوا؟ منم
باید می رفتم با...

تعجب

خدا رو شکر،
همتون سالمید!



واوا، روبات فونگیت
مثل یه حشره واقعی
می تونه پرواز کنه!

من شاید پندتا قطعه پس مونده
اکستریم گیر قرض کرده باشم... ولی
تیلز اونو بود که همه چیز رو
راه انداخت!

پس واقعاً همونطوری که
میکن هستی، بچه! مطمئن نمی تونم
قانعیت کنم که بیای پیشم کار کنی؟



ورود
نداره

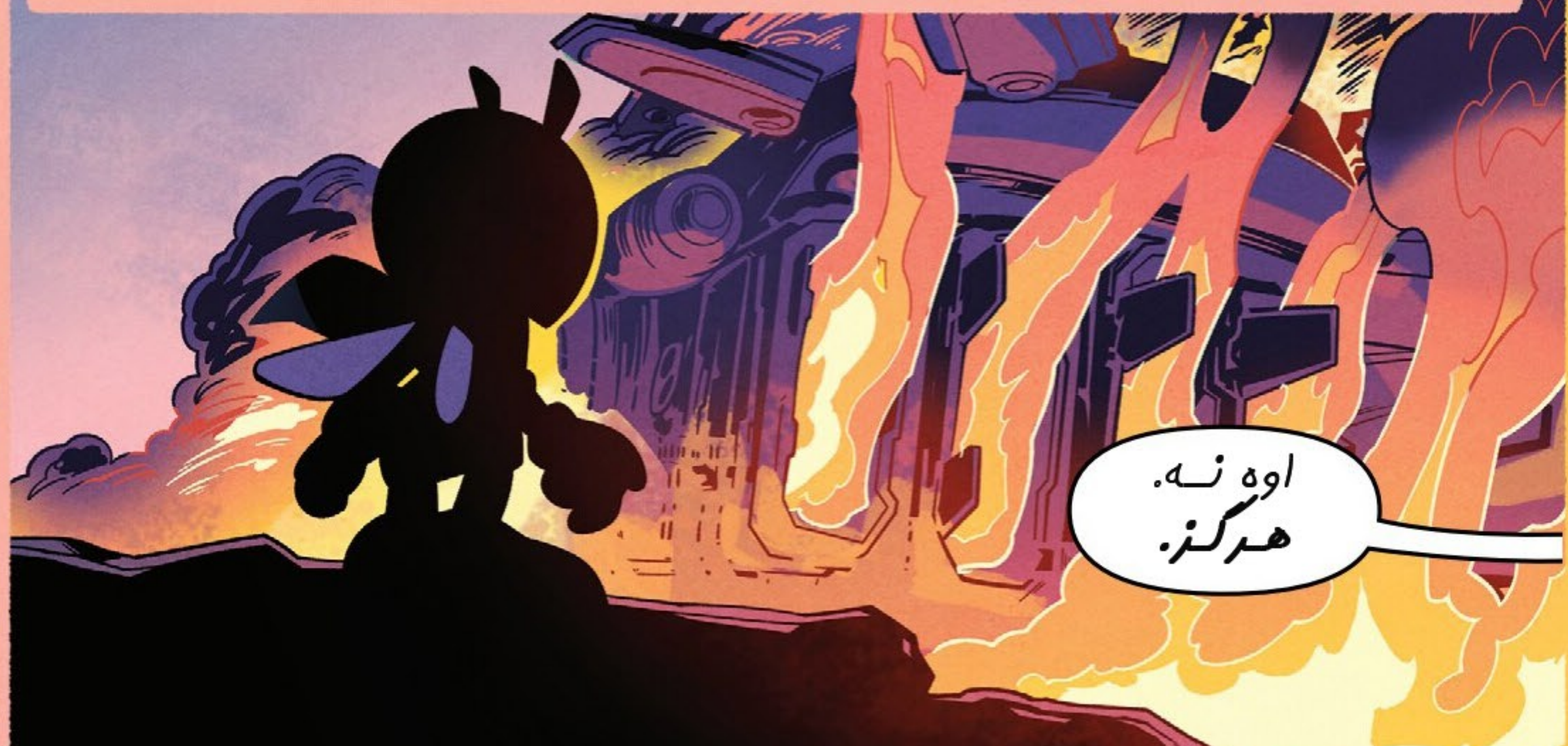


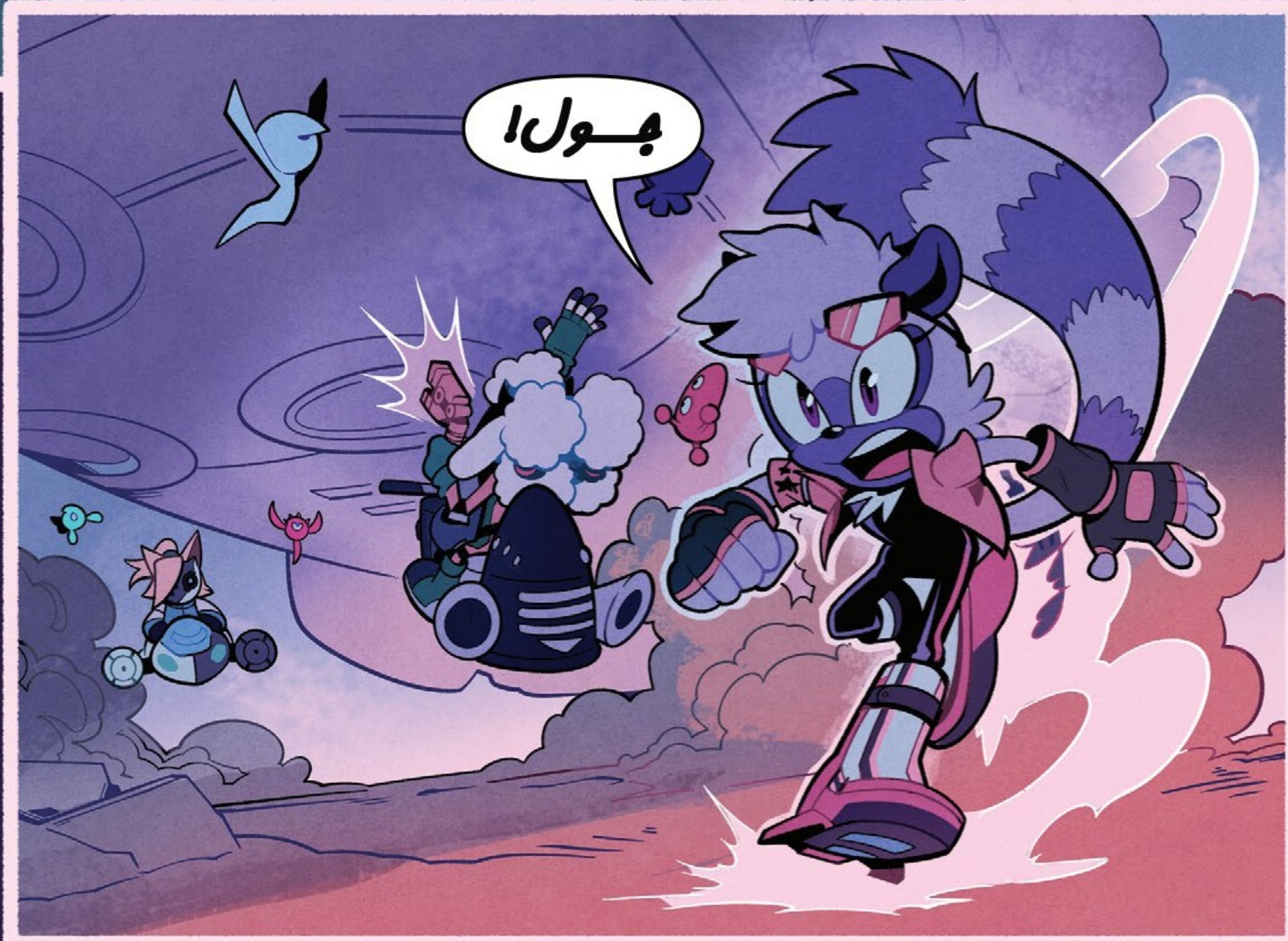
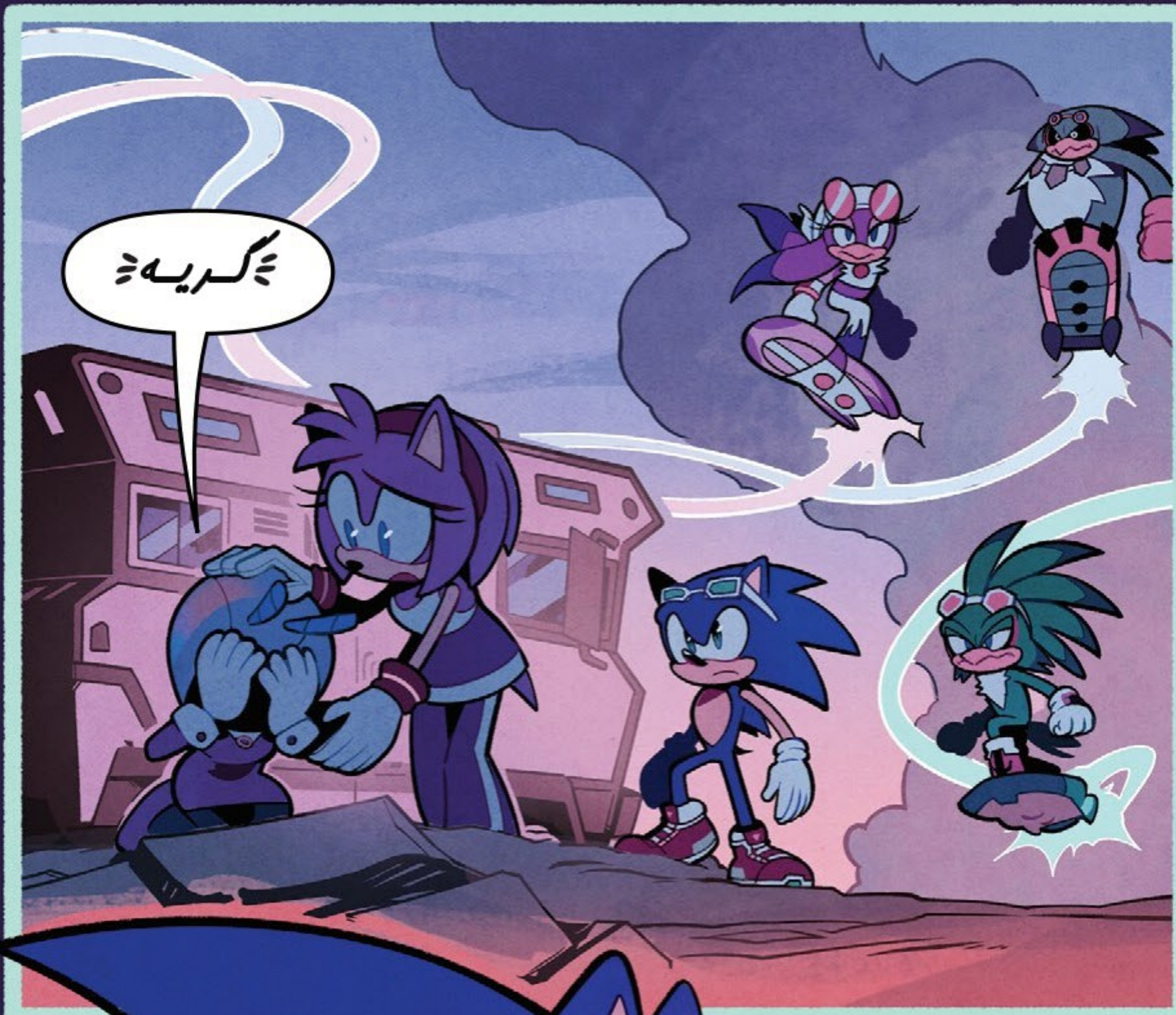
هنوز فکر می کنی
ماشین کاروانی یه
سرمایه گذاری بد
بود؟

هیچوقت نمیذاری
فراوموشش کنم،
نه؟



اوه نه.
هرگز.







حالت
فوبه؟



تموم شد، تنگل، شکست
فورد۴. بازگردانی دیکه
تموم شد.



پی پی میگی
"تموم شد"؟

اییح!

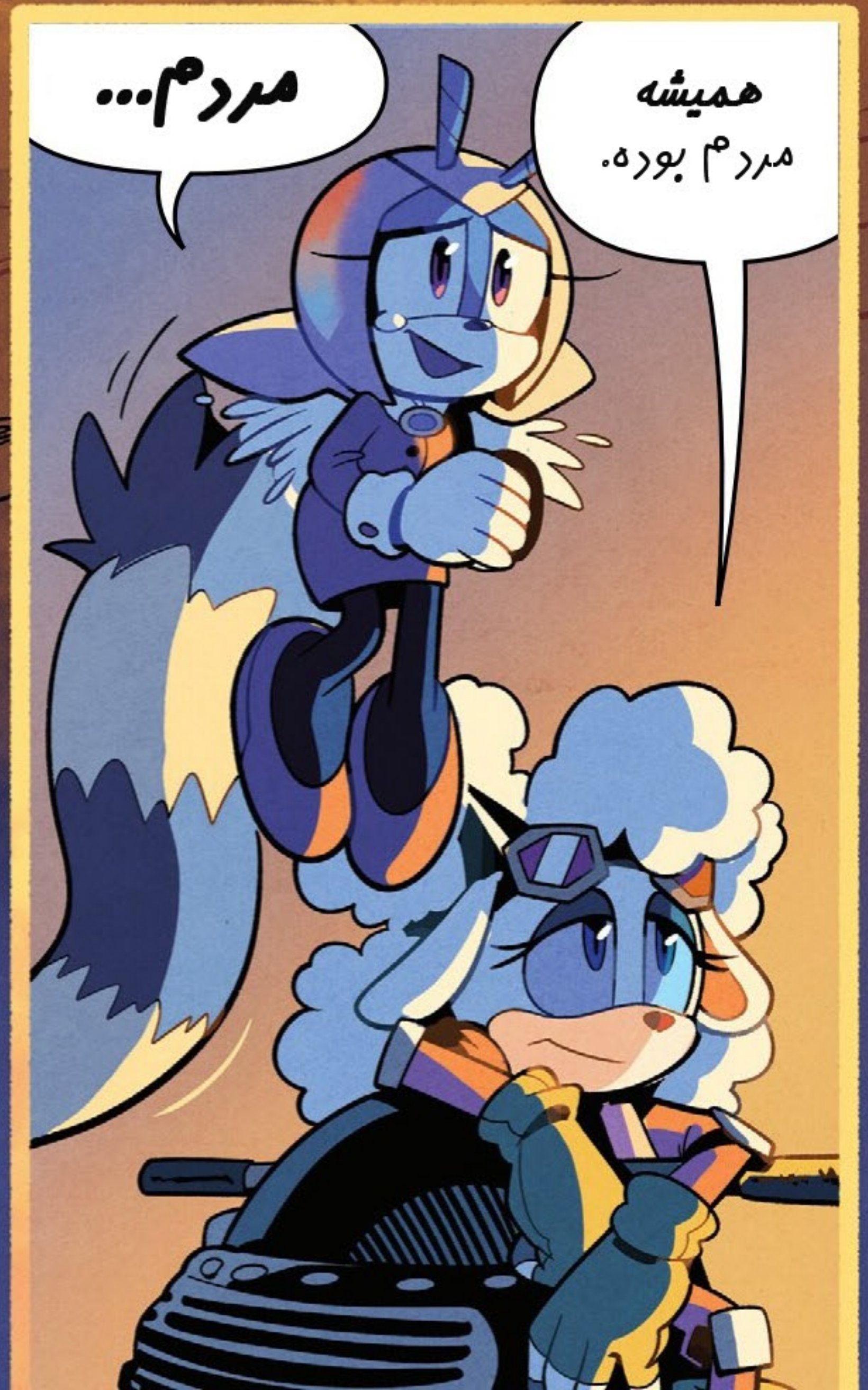
شافوف



بازگردانی که
یه سافتمون قدیمی
مسفره که نیست!



اون پایین که
می بینی بازگردانیه.



مردم۴...

همیشه
مردم۴ بوده.



بخیبین

درسته...

کلی کار داریم، مردم! بجنبید!

این یعنی شما دو تا هم هستیدا راه بیفتیدا

عا، پی؟

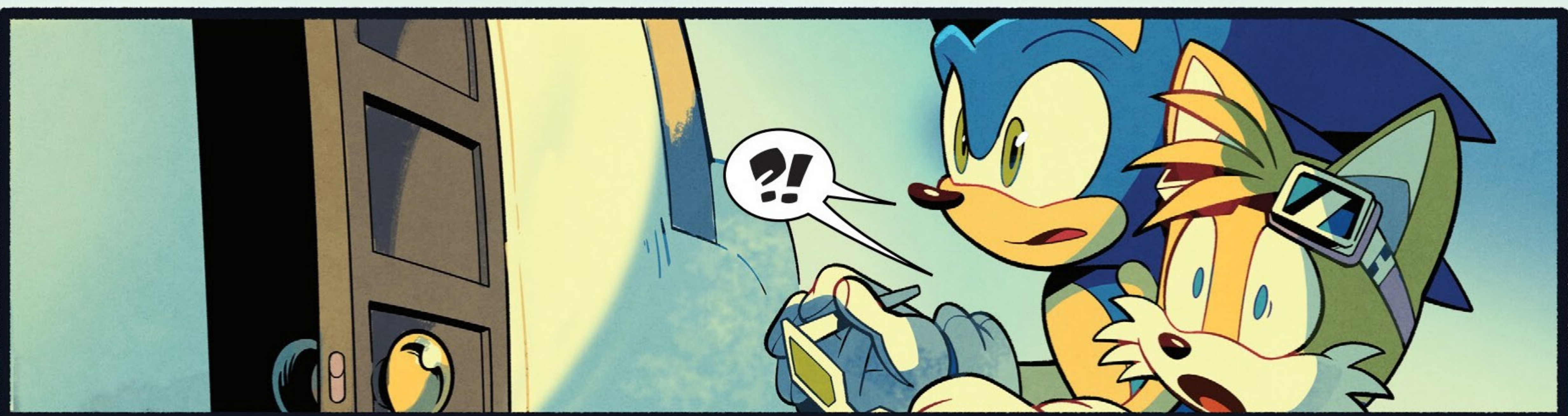
به چشم برداشت هزینه پایین اومرنتون بینیدش.



یه روز فیلی طولانی بعد...

...بفمیازه فکر کنم مقومنه یه استراحت کوچیک بنیم بعد از، می‌دونه که، نجات دادن نصف شهر، مگه نه؟

من که می‌فوام تا یه هفته بگیرم بفوام.



?!



کسی اومر فونه؟ همه چیز عادی به نظر میار...

شاید در رو باز انداقتم-- اوه نه!



هسته مولد
آزمایشگاه
کم شده!

هسته مولد...؟



آره! زمره
آشوب!*



*جلد #۶۸--مترجم.



این داستان ادامه دارد...



طراحی یویا کاراسونو
از سونیک تیم



طراحی ماورو فونسکا



طراحی آدام برایس توماس



طراحی ناتالی فورد رین



طراحی تریسی یاردلی



طراحی تاپسون هس